

نامه  
**مردم**  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

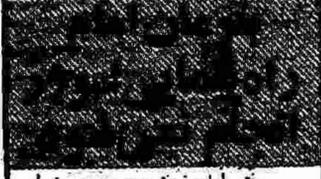
دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۸  
پنجشنبه ۲۷ آذر ۱۳۵۹، مطابق با  
۱۰ صفر ۱۳۴۰، بهای ۱۵ ریال

# پاښتیبانی از امام خمینی، توطئه جدید امریکاراد رهم شکنیم

در پارهای موارد حتی بازداشت آنان به منظور برانگیختن خشم دهقانان و مایوس ساختنشان از انقلاب، ایجاد جو تشنج و درگیری و زودخوردی در مدارس بقصد تسلیل آنها، تحریک در کارخانه به منظور تسری اعتصاب و تصمن در میان کارگران و توقف تولید، سرهمبندی کردن تظاهرات در چند شهر، یا هدف توهین به مقام ولایت قیه و لحظه زدن به وجهه روحانیت بیرو خط امام، عمل به کتابفروشی و مراکز نشریات حزب ما در پارهای مناطق، همه و همه پیش درآمد این توطئه امریالیستی است که ضدانقلاب آگاهانه و طبق نقشه، عناصر سادسل و فریبخورد، ناآگاهانه، به خواست امریالیسم در به زانو درآوردن انقلاب تسکین کردهاند.

شد ستم و بهره‌کشی را دارد در هفته‌های اخیر، گواهی کانونهای کوناگون این آتش‌افروزی امریالیستی علیه انقلاب بوده‌ایم: ایجاد درگیری در برخی از شهرها و اختادن گروههای سیاسی بجان یکدیگر، تحریکات تودالها و زمین-داران بزرگ در روستاها، جلوگیری از فعالیت هیئت‌های خفتگری تقسیم زمین و

امریالیسم امریکای تارهای خستین توطئه را برین گرد انقلاب ایران تنیدماست. این بار آماج مستقیم این توطئه یلیده، مقام پراچ امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، و روحانیت بیرو خط امام است که گویا باید با تبلیغات پرمیاهوی مخالفان لطمه بیند و میان مردم و رهبری انقلاب و روحانیت پیرو خط امام جدائی افتد تا زمینه برای وارد آوردن ضربه طمی فراهم آید.



دفعه امام خمینی، صبح دیروز طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که رامیسانی امروز پنجشنبه انجام نشود و توجه مردم به رفع مشکلات ملکتی، مطلق گردد در این اطلاعیه از جمله آمده است: «(امام خمینی فرموده‌اند) با توجه به حساسیت زمان و مقطع فعلی که ما گرفتار مسئله جنگ با دشمنان اسلام هستیم و باید به مسائل و مشکلات ملکتی بپردازیم... از رامیسانی‌هایی که قرار است به این عنوان انجام شود، سرفظن نمایند و به کارهای مهم و رفع مشکلات دیگری که دارند بپردازند» امام خمینی همچنین از آیت‌الله طاهری، امام جیمه اصفهان، خواست که به اصفهان بازگردد و ارگاتهای انقلابی را هم که اعلام تسلیل نموده‌اند فراخواندند که به کارهای عادی خود مشغول گردند.

امریالیسم امریکای، که تلخی شکست پنج توطئه را در کام دارد و ششین توطئه او، یعنی جنگ تجاوزی و تحمیلی رژیم صدام حسین، از منظر سیاسی شکست خورده و از جهت نظامی یا شکستی محتوم مواجه است، اجرای نقشه بعدی، یعنی هتیمین توطئه را بمنظور درهم شکستن انقلاب ضدامریالیستی و خلقی ما، آغاز کرده است، توطئه‌ای که حزب توده ایران ماها پیش با روشن‌نگری، وقوع ناگزیر آنرا پیش‌بینی کرده بود.

رویدادنامه کشور در دوران اخیر نشان میدهد که چگونه امریالیسم امریکای برای تحقق آرزوی دیرینه‌اش در سرکوب انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، به جفا ساختن توده‌ها از روحانیت پیرو خط امام، به ایجاد جو بگو و مگو و ناسازگاری و لجاج و تشنج و درگیری امید بسته است. امریالیسم امریکای از یکسو بدست‌مخوامل خود میکوشد اختلاف میان ارگاتهای حاکمیت را تصیق کند و از سوی دیگر با حمله مستقیم به رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و روحانیت پیرو خط امام، قصد ایجاد شکافی میان مردم و رهبری انقلاب و روحانیت ضدامریالیست و

نورالدین کیانوری  
«پرسش و پاسخ»  
**تلاشهای امپریالیسم  
جهانخوار برای تغییر  
تناسب نیروها به زیان  
خلق، محکوم  
به شکست است**  
صفحه ۶

## بر اثر آتش سپاهیان انقلاب چندین تانک و دههاتن از تجاوزگران صدامی در جبهه‌های جنوب و غرب منهدم شدند

داشت. براساس این گزارش، بر اثر آتش توپخانه نیروهای انقلاب، چندتن از دیده‌بانهای دشمن به هلاکت رسیدند. در جبهه‌های دیگر خونین‌تر نیز نبرد شدید با سلاحهای سنگین تا ساعت ۱۷ روز شنبه ادامه داشته است. این گزارش‌ها حکایت که یک نفر از مدافعان انقلاب شهید شد.

روزندگان انقلاب در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی، ضربات تازه‌ای بر بیکر آنان وارد ساختند. خبرگزاری پارس و دفتر مرکزی خبر، به نقل از روابط عمومی استانداری ایلام، گزارش دادند: در یک عملیات چریکی، که بوسیله گردان مخصوص کلاص سزها و مدافعان محلی انقلاب اسلامی مستقر در ارتفاعات سینگ در منطقه ایلام، در تاریخ ۲۳ و ۲۴ آذرماه، با پشتیبانی آتش توپخانه انجام شد، در حدود یکصد نفر از مزدوران کشته و زخمی شدند و ۴ دستگاه خودرو، یک تانکر آب، ۳ دستگاه چادر گرمی مزدوران عراقی منهدم و به ۱۶ سنگر دشمنان انقلاب تا حدود ۸۰ درصد خسارت وارد آمد.

در این جبهه بر اثر یک سری عملیات چریکی توسط گروهی از رزمندگان ارتش، پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج‌نظامی در پشت خطوط دشمن، یک نفر از مزدوران کشته و تعدادی مجروح شدند.

خبرگزاری پارس از جبهه سومار گزارش داد: نبرد همچنان ادامه داشته و در یک نبرد رویاری ۸ نفر از مزدوران دشمن کشته شدند. در جبهه نهاب و قمر شیرین نیز یک گروه متشکل از نیروهای هوایر، پاسداران انقلاب اسلامی و دیگر رزمندگان اسلام ۴ تن از مزدوران را بدم انداختند و ۷ نفر از آنان را به هلاکت رساندند و بقیه متواری شدند.

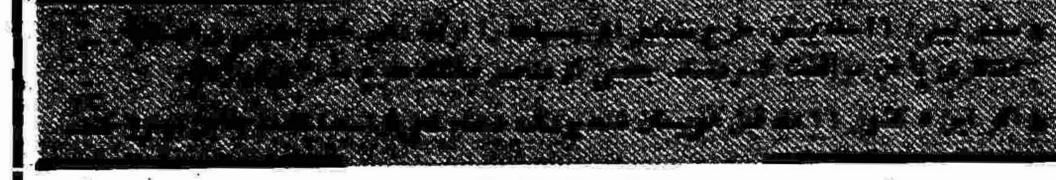
به گزارش خبرگزاری پارس از آبادان: مبادله آتش میان نیروهای انقلاب و مزدوران دشمن، در منطقه غرب خونین‌تر از عصر دوشنبه تا روز شنبه به شدت ادامه

در درگیری روز دوشنبه در ارتفاعات ملک‌نشا، برادران پاسدار با آتش خمپاره‌انداز خود سنگرهای دشمن را بشدت درهم کوبیدند و تلفات و خسارات سنگینی به مزدوران وارد آوردند. سرپرست گروه شکاری مستقر در گیلانقریه عصر روز شنبه به‌خبرگزاری پارس گفت: در این جبهه، ساعت مدام درگیری با سلاح سنگین و سبک و خمپاره‌انداز جریان دارد. در همین

دیرخانه کتبه مرکزی حزب توده ایران در اطلاعیه‌ای که به پشتیبانی از امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران منتشر ساخته، رویدادهای هفته‌های اخیر را چنین ارزیابی میکند: «حزب توده ایران که پیوسته پیروان از انقلاب ضدامریالیستی و مردمی ایران هواداری کرده و میکند و در اثنای توطئه‌های شیطانی امریالیسم امریکای برای سرکوب انقلاب و پراکنش جمهوری اسلامی ایران شرکت‌نما داشته و دارد، رویدادهای تحریک‌آمیز هفته‌های اخیر را بعنوان پیش‌درآمدی برای تفرقه توطئه جدید امریالیستی - ارتجاعی ارزیابی میکند. این تحریکات همچنین بازتابی است از هراس سرمایه‌داران وابسته و بزرگ مالکان، لیرالها و مائولیتها از تصیق انقلاب بزرگ قیام در صحنه ۴»

### در مصاحبه با نشریه پیام انقلاب اعلام شد:

## پیشنهاد سفیر لیبی برای تشکیل جبهه‌ای از ایران، الجزایر، سوریه، لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین



آن هنگام این طرح را چنین عنوان کردم که الجزایر، سوریه، لیبی، سازمان آزادیبخش فلسطین و ایران برای آزادی فلسطین جبهه‌ای تشکیل بدهیم. بعضی‌ها عناصر مخالفه پیشنهاد و طرح ما را برهم زدند. و من حتی به اسم آنها را می‌شناسم. الان هم دنیا و برادران ما در ایران متوجه شدند که ما در گفتارمان صادق بودیم. و اگر این پنج کشور در ۱۱ ماه قبل همینان شده بودند، صدام نمی‌توانست اقدام به این تجاوز بکند. و ما از پیش در نظر

«در این مجال باسراحت‌تجسما میگویم که شما هم در ایران یک اشتباه بزرگ مرتکب شدید و بعضی پیشنهاد مادران زمین و قهی نهادید. و من الان اعلان و پیشنهاد میکنم. در ماه صامبر گذشته، یعنی در حدود ۱۱ ماه پیش هم طرحی را ارائه دادم، مبنی بر تشکیل جبهه‌ای که مرکب از پنج دولت اسلامی بود و آیت‌الله منتظری موافقت کردند و متوجه شد آیت‌الله خمینی هم موافقت کرده‌اند و همچنین تعداد کثیری از اندیشمندان اسلامی با اجرای آن موافقت کردند. در

سعد مجیره، سفیر لیبی در تهران، در مصاحبه‌ای با مجله پیام انقلاب، ارگان سپاه پاسداران اعلام کرد که: ۱۱ ماه پیش طرحی را برای تشکیل جبهه‌ای مرکب از ایران، الجزایر، سوریه، لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین، برای آزادی فلسطین ارائه دادم، که امام خمینی و آیت‌الله منتظری با آن موافقت کرده‌اند، اما عناصر مخالف آنرا برهم زدند. سعد مجیره، که در این مصاحبه بار دیگر تشکیل این جبهه را پیشنهاد می‌کند، گفت:

## پرونده سازی علیه حزب توده ایران به سود ضد انقلاب است

چهارده نامه مردم به پناج رسیده، آشکارا اعلام داشته است که با سازمان مجاهدین خلق ایران، دوازده ارزیابی این سازمان از سرشت انقلاب ۲۲ بهمن و صف آرایی نیروهای متشکله آن و همچنین عملکرد سازمان مجاهدین خلق ایران، در سراسر دوران انقلاب، بسویژه در لحظات سرنوشت‌ساز کنونی، اختلافات جدی و اصولی دارد. ۳- حزب توده ایران بر پایه موضعگیری اصولی و انقلابی خود

خلق ایران است. در آنچه که مربوط به حزب توده ایران است، دیرینه کتبه مرکزی حزب توده ایران اعلام میدارند: ۱- میان کتبه مرکزی و دیگر مسئولان حزب توده ایران با سازمان مجاهدین خلق ایران، هیچگونه تماس و مذاکره‌ای صورت نکرده و خبر ندرند در روزنامه «صبح آزادگانه» در این باره کذب محض است. ۲- حزب توده ایران، بگوامی موضعگیری‌های شدیدی، که از

زیرا امکان می‌رود قسمت اول طرح با شکست روبرو شود. لذا این سازمان بعد از موفقیت‌تسخت اول، همکاری را با شما آغاز نمی‌نماید و برای اجرای بقیمه طرح مذکور، حزب توده (ایران) تمام امکانات را برای شما آماده میکند. روشن کردن ساختگی بودن و یا واقعی بودن مطلبی که روزنامه صبح آزادگان درباره سازمان مجاهدین خلق ایران نگاشته، با خود سازمان مجاهدین

## کارفرمایان ضد انقلابی با تعطیل کارخانه‌ها در روند تولید اخلال میکنند

در صفحات بعد  
لیبرال‌ها خواستار چه جامعه‌ای هستند؟  
دست‌روشان را دریابید  
سود انقلاب در اینست  
• ادامه فعالیت هیئت‌های هفت‌نفری  
• ادامه اجرای قاطع و کامل قانون اصلاحات ارضی

## بازی مبارزه با امریالیسم امریکای دشمن اصلی مردم ایران، متحد هستیم!

# لایحه بنیاد مسکن در جلسه مجلس مطرح شد

## نماینده ممسنی خواستار رسیدگی سریع مسئولین مملکتی به وضع حساس این منطقه شد

# لیبرال کیست؟

لیبرالها خواستار «آزادی» برای غارتگران هستند. آنها از بازگذاشتن دست سرمایه‌داران بزرگ وابسته، که چون زانو خون مردم را می‌کند و با استفاده از آزادی نامحدودی که در شرایط فعلی برای آنها وجود دارد، سودهای چند صد درصدی به جیب خود سرازیر می‌کنند، مدافعه می‌کنند. آنها محدود کردن غارتگریهای آنان را عملی ضد آزادی می‌دانند. لذا آنها از جمله با دولتی کردن بزرگانی خارجی مخالفتند.

در جلسه مورخ ۲۵ آذرماه ۵۹ مجلس شورای اسلامی، در بحث پیرامون اجرای اصل قانون اساسی مبنی بر دولتی کردن بزرگانی خارجی، یکی دیگر از لیبرالها، نشان داد که «آزادی» از نظر آنها چه مفهومی دارد.

**اصل ۴۴ قانون اساسی:** «بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن... و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است»

مخبر کمیسیون بازرگانی: سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی دیگر نمی‌تواند آن سیاست قبل (دوره شاه) باشد و این کاتال باید بسته شود. بخصوص آنکه بعد از انقلاب سوء استفاده‌های زیادی شده. هم ارز زیادی خارج شده، هم در وارد کردن کالاها ضروری مردم اختلال شده و هم خدمات سرمایه خود را از جریان تولید بیرون کشیده و در راه تجارت انداختند. لذا باید با کمک وزارت بازرگانی طرحی تهیه شود که فیصاح و غریبهای گذشته، با دولتی شدن بزرگانی خارجی جلوی گرفته شود.

**هاتم میثاقیان:** «طبق اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد دولتی بودن بزرگانی خارجی، کسی نمی‌تواند با دولتی کردن بزرگانی خارجی مخالفت داشته باشد، ولی (۱) دولتی شدن تجارت خارجی... به اجرا هم گذاشته شده است... وزارت بازرگانی هم مشغول اجرای آنست و آنرا انجام میدهد... آیا این بی‌نیستانه؟

**مهمی مخبر کمیسیون بازرگانی:** «ما آن قانون را (که میثاقیان به آن اشاره میکرد) دیدیم. ولی اگر آن قانون یکنه شده، دولتی کردن بزرگانی خارجی، به نفعهای ما میرسد و به آن صورت ببرد ما و انقلاب ما نمی‌خورد»

ماده واحد پیشنهادی کمیسیون بازرگانی، با اکثریت آراء نمایندگان مجلس به تصویب رسید و وزارت بازرگانی موظف شد که ظرف ۳ ماه، قانون مربوط به دولتی شدن بزرگانی خارجی را تهیه و به مجلس ارائه کند.

لیبرالها، باز هم تیرستان به سنگ خورد.

# در گذشت یک رفیق توده‌ای



با گذر فراوان اختراع و کشف که رفیق احمد نظام شویلی، در آبانماه ۵۹ به سکنه سمنان مهاجر شد و در روز ۲۳ آذر ماه ۵۹ در گذشت.

رفیق نظام شویلی در سال ۱۳۱۷ در شهر مشهد چشم به جهان گشود و وی بعد از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه به ایران، برای ادامه تحصیل به شهر گراس (اتریش) رفت. اقامت رفیق نظام شویلی در اتریش مصادف بود با اوج جنبش دانشجویان ایرانی بر ضد رژیم دیکتاتوری دستنشانده شاه در خارج از کشور. رفیق نظام شویلی در صفوف حزب توده ایران به مبارزه بر ضد امپریالیسم، سرکردگی آمریکا، و رژیم شاه ملوم پرداخت.

رفیق نظام شویلی پس از پایان تحصیل در رشته حقوق سیاسی، تمام وقت خویش را در اختیار حزب قراچاد و پس از مدتی، بدستور حزب، به ایران بازگشت.

رفیق نظام شویلی تا آخرین لحظه حیات به آرمان حزب خود وفادار بود و در راه آن از هیچ فداکاری دریغ نکرد.

خانم رفیق احمد نظام شویلی را گرامی می‌داریم و این صمیمیت جانگداز را به همسر و دختر خرمسال رفیق قید میمانه تسلیت می‌نویسیم.

مجلس یادبود رفیق احمد نظام شویلی، روز شنبه ۲۹ آذرماه ۱۳۵۹، ساعت ۱۲ تا ۲ بعد از ظهر، در مسجد «الجواد» برگزار خواهد شد.

دکلیه معاملات مسکن باید از طریق این دفتر انجام شود. این مسئله باعث رکود معاملات منازل شد و لذا دولت فکر کرد که بجای دخالت مستقیم، بر این امر نظارت و اجرا کنترل کند. تا اینجا با ضرورت یک سیاست هماهنگ موافقت شده است.

مخبر کمیسیون مسکن در پیلان تاکید کرد که بنیاد مسکن که یک نهاد انقلابی است، به همان شیوه سابق کار خود را ادامه خواهد داد و فصل حیات امثال آن کنار می‌رود.

پس از توضیحات مخبر کمیسیون مسکن، چندتن از نمایندگان به عنوان موافق و مخالف در مورد این طرح سخن گفتند. آنگاه وزیر مسکن و شهرسازی در این مورد توضیحاتی داد. وی از جمله گفت:

**دولت در بنیاد مسکن، آطور که باید و شاید سیاست خود را نمی‌توانست پیاده کند. لذا با اجازه امام مقرر شد که این بنیاد زیر نظر وزارت مسکن کار خود را انجام دهد. بنیاد یک کار اصلی دارد که همان خانه سازی برای متقاضیان است. کار بنیاد از کار دفتر معاملات مسکن جداست. دفتر معاملات کنترل معاملات مسکن را بر عهده داشته.**

وزیر مسکن افزود: «این کنترل باعث شد که در عرض ۶ ماه کمتر از خانه معامله شد و پیش شخصی هیچ سرمایه‌گذاری در این راه نکرد. نظر ما آزاد شدن معاملات نیست، زیرا نمی‌توانیم به آن صورت اول آزاد بگذاریم و بورسی بازی شروع شود. ما باید کنترل کنیم. البته میزان این کنترل در زمانهای مختلف متفاوت خواهد بود، یعنی کنترل حسابشده خواهیم داشت، یعنی فروشنده می‌تواند بفروشد، ولی خریدار باید بر اساس ضوابطی خرید را انجام دهد».

پس از توضیحات وزیر مسکن، چندتن از نمایندگان سوالات خود را از وزیر مسکن مطرح کردند. دنباله بحث در مورد این لایحه به جلسه بعدی مجلس موکول شد.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست علی‌اکبر پروورش تشکیل شد، چندتن از نمایندگان در ارتباط با مسائل روز سخن گفتند و لایحه مربوط به نحوه اداره بنیاد مسکن و دفتر معاملات مسکن مطرح گردید.

صمد شجاعیان، نماینده ممسنی، اولین ناطق پیش از دستور جلسه دیروز بود، که در ارتباط با حوادث اخیر ممسنی سخن گفت. وی ضمن تسریع این درگیری، که در آن نفر کشته و ۱۲۰ نفر زخمی شدند، تاکید کرد که این درگیری باعث بر توجیح و کاهلی مسئولین امر بوجود آمده و مقامات مملکتی باید هرچه زودتر به این قضیه رسیدگی کنند.

نماینده ممسنی سپس به جزئیات این درگیری، که بنابه گفته وی از ابتدا بعلت بر توجیح مسئولین آموزش و پرورش به خواستهای مصلحان منطقه شروع شد، پرداخت و آنگاه گفت:

**در فروردین ۵۸ وقتی خسرو قنقاری به منطقه آمد، مردم نورآباد علی او تقاضای راه آسفالته و مانع پیاد شدن وی از ماشینش شدند. مردمی که زیر سم خان بودند نمی‌توانند خان را دوست داشته باشند، ولی باید به خواستهای آنها توجه کرد»**

**هاشمی سنجائی،** دومین ناطق پیش از دستور، به تسریع انواع آزادی و سوءاستفاده «دکروان» از آنها پرداخت. پس از پایان نطق‌های پیش از دستور، علی‌اکبر پروورش، نایب رئیس مجلس، ضمن سخنان کوتاهی به مناسبت سالگرد شهادت دکتر مطیع، از وی تجلیل کرد. پروورش همچنین از دو پاسدار همراه دکتر مطیع نیز، که به شهادت رسیدند، تجلیل کرد.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و ابتدا گزارش کمیسیون مسکن و شهرسازی در مورد نحوه اداره بنیاد مسکن و دفتر معاملات مسکن مطرح گردید.

مخبر کمیسیون مسکن در توضیح این طرح گفت: «به فرمان امام بنیاد مسکن با حساب ۱۰۰۰ شروع کار کرد و در بیشتر شهرها کارش را به تقابل ملاحظاتی انجام داد. دلیل عمده یسرتف کار بنیاد مسکن این بود که این بنیاد عمدتاً به نیروهای مردمی و کمک متحمس آنها متکی بود. ولی بعلت پاره‌پارهی ناهماهنگی‌ها در کارها و بعد از تشکیل دولت، ضرورت ایجاد هماهنگی در کار مسکن، احساس شد. بنابراین این ضرورت، وزیر مسکن در مورد ایجاد هماهنگی با امام صحبت کرد، که ایشان موافقت کردند».

وی افزود: «معاملات مسکن هم کار خود را بر اساس مصوبه شورای انقلاب آغاز کرد. بر اساس این مصوبه»

# در حاشیه مجلس

**کدام ارز؟**  
شعونی، نماینده کرج، هنگام طرح مسئله مسکن و خروج ارز توسط ملتونیان، گفت: «کدام ارز؟ هر چه ارز بود در دوران دولت موقت خارج شده».

# بمناسبت چهلمین روز شهادت سیمین

اینک چهل روز از شهادت سیمین این دختر جوان توده‌ای میگذرد که در جبهه آبادان به خیل شهبای پیشمار انقلاب ایران پیوست و جاودانه گشته. چهلیمینماست این شمار خود ساخته مردم که به دنبال هر شهیدی، فریاد شهیدان زنده مانده را تکرار میکنند. شهید راه انقلاب، در وجود هر زمانیکه راه او را ادامه میدهند؛ در تحول فکری که در اطرافیان خود بوجود می‌آورد؛ در تحرك و توانی که به سایر مبارزان میدهد و در پیروزی را هموار میسازد؛ ابدیت می‌یابد. شهید با ایثار و جانبازی در راه مردم و آرمانهای والای خود را، بدیگران می‌آموزد. شهید در خاطره مردم و در تاریخ خلقها زنده و جاویدماندست، شهیدست.

دردیاره مادر سیمین سلامی زاده، این شیرزن خوزستانی، رفته رفته داستانی نقل می‌کند بطوریکه همه مشتاق زیارتش هستند. اینک او را در ماهش میثاق یافت. برای تجدید خاطره سیمین، در چهلمین روز شهادت، خوانندگان نامه «مردم» و تماشاچیگان راه سیمین را همراه این سلور به دیدار و گفتگوئی ولو کوتاه با مادر سیمین میریم.

جمعه ۱۴ آذر در منزل یکی از رفقای ماهش به دیدن مادر و خواهر کوچکتر سیمین میشتابیم. چادر سیاه و مخمسه‌ای که بسته بود، سیاهی آرایش را ایت خاص می‌بخشد. آرام و شگین در کنارش می‌نشینیم. رفقای جوان، از دختی و پسر دورش جلته زده بودند و همگی او را ملته خطاب می‌کردند. پیش از آنکه سخنی بر زبان جاری شود، قلبهای آنکند از خشم نسبت به دشمنان انقلاب ایران، و دیدگان سرشار از امید به آینده، بیانگر همدردی و همنستگی همه وقتا و دوستان و کمیته مرکزی حزب سیمین به خواننده سلامی زاده میشود. بعضی‌ها میگویند باغچه‌ها بر احسانات

خود ملته را به آرایش و بردباری دعوت کنند. ولی او خود لب به سخن گشود: «من دیگر غمی ندارم و ضم سیمین را نمیخورم. تازه بعد از مرگ سیمین حزب را شناختم. با دوستان او آشنا شدم و فهمیدم که چرا سیمین در حیات خود اینبه از حزب بوده. ایران ستایش میکرد و شبانه روز در راه او آرام و قرار نداشت. میگفت: «به آبادان که برگشتم خودم کارهای او را ادامه میدهم. خودم روزنامه‌های سیمین را زیر مجامع میگیرم و در دستر میروشم. به بیم چه کسی جلوم را میگیرد».

حقیق که سواد ندارم! سیمین همیشه روزنامه مردم را نشان میداد و میگفت: مادر تو نیندانی چه چیزهای خوبی در این روزنامه می‌نویسند. چه خوب مردم را هدایت میکنند. پارها مقالات مردم را براسم می‌خوانند و توضیح میداد. سیمین از رفقای برای صحبت میکرد. حالا می‌فهم چه می‌گفت و چه دوستان سیران و انسانی دارد. بیشتر از قابل خودمان بنا محبت میکنند. خدا هم ما را حفظ کند».

یکبار به بغض گرفت و کمی گریست. کوه‌اندوه بردلها سنگینی پیکرد ولی مگر میشد او را تسلی داد. یکی گفت: «مادر گریه نکن. شهادت سیمین هم و اندوه ندارد. همه این جوانان، دختران و پسران، سیمین‌های تو هستند. تو اینک در میان خانواده بزرگ توده‌ای سیمین هستی».

مادر استکبابش را پاک کرد و ادامه داد: «برای مرگ سیمین نیست که گریه میکنم. تاسف تنها از اینست که چرا سیمین وقتی زنده بود نتوانست آطورها که دلش می‌خواست، آزادانه فعالیت کند. روزنامه‌های مردم و کتابهایش را در گنجهای مخفی میکرد. تنها

# عملیات موفقیت آمیز انقلابیون

**السؤال اور علی‌اکبر رژیم دست نشانده این کشور**

نیروهای سپین دوست و ترقیخواهان السالوادور در نزدیکی پایتخت این کشور دو رشته عملیات نظامی موفقیت آمیز انجام دادند. مقامهای رژیم وابسته السالوادور اشراف کردند که در جریان این عملیات پدیده زیادی از سربازان مزدور کشته و مجروح شدند. از سوی دیگر تروریستهای جرمهای راستکار که از حمایت دارووسته نظامی حاکم برخوردارند در ۸ ساعت گذشته به ترورهای چنانیکارانه خود ادامه دادند. در نتیجه این عملیات قتیستی جمعا ۵۰ نفر از مبارزان کشور کشته شدند.

**بقراریاد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق**

# «القاء ایدئولوژی»

«امروز اگر حزب توده در خط امام سیر می‌کند و زیر علی آخوندها به اربابش کلاه می‌بندد خدمت میکند... عجیب نیست آخوندیسم و توده‌ایسم از یک آبشخور آب میخورند و سیر یک از آنها... به شمار می‌آیند که همان اتحاد سرخ و سیاه و همان یگانگی منافع دو استعمار کین در ایران است... (هه از اتحاد نامقمنی سرخ و سیاه توده‌های شوم و بیفرجامش در دوران دکتر مصدق باخترند» (رادبو اوسی، ۱۶ آذر ۵۹)

«پس از شهریور ریت تاگهان و خلی حباب شده با کمک شوروی حزب توده موجودیت خود را اعلام کرد... میوه نفاق و کارکنی‌های حزب، کودتای ۲۸ مرداد ۲۲ بود... رویه از گذشته به اندازه کافی بد گرفته و اشتباهات گذشته را تکرار نمی‌نماید. روسیه اکنون تقسیم و تالیف نموده و با ایجاد چندین گروه هروظیفه‌ای را بدست یکی سپرده است. حزب توده موظف است با کمال وقاحت خود را بیرو خط امام بخواند و با تمیت و افتراهای گوناگون، گروهی از مسلمانان را از میدان بدر کند... در این میان مسلمانان هم بی‌توجه به نقش‌های منافقین متعدد روسی هر آنچه را که آنان میگویند اینان طوطی وار شکر می‌کنند» (سینان، ۸ آذر ۵۹)

هر روز شریات چنانه‌تری پس مواضع امپریالیسم و سرمایه‌داری وارد می‌آورند. سیاست خارجی ایران آشکارا بسوی بیوستگی یا کشورهای ضد امپریالیستی جهان و گسستن از کشورهای ارتجاعی گرایش یافته است. در داخل، با ملد لیبرالها از مواضع کلیدی و گرایشهای مثبت در نظور و تحول سیاستهای بازارگنسی، ارضی، آموزشی، کارگری و قهریه، افق‌های نویی گشوده شده است، که بی‌چیزو بسیاری امپریالیسم، غارتگر و طیفات استثمارگر داخلی، دلپذیر نیست. مخالفت با امام خمینی و روحانیت بیرو خط امام از چنین فقه چرکین و غنی تراش می‌کند. بقول امام خمینی:

**«اینجا با روحانی خوب مخالفتند با بدها مخالف نیستند»**

اگر امام خمینی و روحانیت بیرو خط

**با پشتیبانی از...**

**بته از صحنه ۱**

ایران و کوشش برای مقابله با آن»

این واقعیتی است که اهانت به مقام برجسته رهبر انقلاب و بیتانگنادر جمهوری اسلامی ایران و هجوم به روحانیت بیرو خط امام، برخلاف ادعاهای نه برای از دست رفتن «آزادی» و نه برای آنست که گویا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پایمال شده است. بلکه جزست بیخاطر آنست که امام خمینی و روحانیت بیرو خط امام، وفادار به اهداف عالی انقلاب، ایام ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب را گسترش داده و آنرا تمیق نموده‌اند.

امام خمینی، رهبر با درایت انقلاب، و آن بخش از روحانیت مترقی، که به پیروی از امام، به دفاع از انقلاب ایستاده است،

امپریالیسم آمریکا - طبق معمول - فراموش شده‌اند.

این بار هم امپریالیسم آمریکا با سلاح زنگارسته بچنگ انقلاب ما آمده است. ولی بی‌تردید شکست خواهد خورد. مردم برآمده از کوره انقلاب ۲۲ بهمن، با همان شور و گرما و هیجان و آگاه‌های دفاع از انقلاب در محنه ایستاده‌اند و دست امپریالیسم آمریکا این چادرگر فداکار را از میان درد و آتشی که در سراسر کشور برافروخته است، تشخیص میدهند. اینان نخواهند گذاشت که امام خمینی تنها بماند، نخواهند گذاشت که میان امام خمینی

حزب توده ایران که مدافع بیکر و برترال انقلاب و پشتیبان صمیمی رهبر انقلاب، امام خمینی است، همچنان بیدار و هشیار مراقب توطئه‌های دشمن اصلی ما، امپریالیسم آمریکاست و همه اعضای و هواداران حزب و همه نیروهای انقلابی را به هشیار بیشتر و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی و پشتیبانی از امام خمینی فرایخواند. **هوشیاران!** با پشتیبانی از امام خمینی، رهبر انقلاب و بیتانگنادر جمهوری اسلامی ایران، توطئه جدید رهبر کا را درهم شکنیم.

# لیبرال‌ها خواستار چه جامعه‌ای هستند؟

چندی پیش جنرال پرسروصدایی از محافل لیبرال سرخاست و فضا را پر کرد. سانسندگان راسته به این "خط" در سخنرانی‌ها، نامه‌های سرکشاده و مقالات، با آزادی کامل یکمدا فریاد برداشتند که: ایها الناس! آزادی نیست، "هولای اختیای" که "شاج و دم" هم ندارد، همه جا را به زیر سایه "مخوف خود گرفته است، می‌خواهند "دیکتاتوری مستضعین" برقرار کنند و ما را که "فقط" خواستار تنفس در هوای "آزادی عزیز" هستیم، خفه کنند. "ای آزادی، ای موهبت بزرگ می‌خواهند تو را بار دیگر از ایران بگیرند"، "می‌خواهند همان جو زمان شاه مخلوع را دوباره بر منهن ما جاکم کنند"، "می‌خواهند دیکتاتوری پرولتاریا" برقرار کنند! "دارند حلیم مارکس را برهم می‌زنند! ..."

لیبرال‌ها، که با آزادی کامل هرچه می‌خواهند، در همه جا می‌گویند و می‌نویسند، چرا احساس "خفتان" می‌کنند؟ چگونه آزادی می‌خواهند؟ "آزادی" برای چه می‌خواهند؟ لیبرال‌ها پاسخ خواهند داد: "آزادی برای ساختن جامعه‌ای که مورد نظر ماست".

## گدام جامعه؟

لیبرال‌ها در این مورد کمتر دم به تله می‌دهند. آن‌ها از جامعه مورد نظر خود بسیار کم سخن می‌گویند. آن‌ها فقط فریاد برمی‌دارند که: "آزادی نیست و خفتان هست، و چه کلمات زیبا که در زبانی آزادی قلم نمی‌زنند و چه نغزین‌های خشم‌آکن که نثار "خفتان" نمی‌کنند."

این ظاهر را خراش بدهیم و ببینیم که در زیر این ظاهر خوش آب و رنگ و دلغریب، چه واقعیتی نهان شده است و لیبرال‌ها "آزادی" را برای ساختن چه جامعه‌ای طلب می‌کنند و از چه "خفتانی" است که می‌نالند.

ما برای نشان دادن تصویر واقعی این جامعه مورد نظر لیبرال‌ها، تلاش کرده‌ایم که از زبان سخنگویان و ارگان‌های اصلی بورژوازی لیبرال ایران، این "جامعه آزاد" را از میان کوهی از جمله‌پردازی‌ها و سخنان زیبا در دو سال گذشته، بیرون آوریم و آن را در حرفی افکار عمومی مردم انقلابی ایران قرار دهیم. ما در این جا نیازی به ذکر ایامی افراد و جرایم نداریم، زیرا که اولاً ما را با نظریات و خط مشی‌ها سروکار است و نه افراد، و ثانیاً انتخاب و جرایمی که از آن‌ها نقل قول کرده‌ایم، چهره‌های آشنایی هستند، باشد که جامعه مورد نظر لیبرال‌ها چشم کسانی را که ناخواسته در تاروپود دام خوش منظر "آزادی" لیبرال‌ها اسیر شده‌اند، بکشد و آنان را که ناخواسته به پیش‌برد امیال لیبرال‌ها یاری می‌رسانند، هشدار سازد.

## لیبرال‌ها مدافع دولت شاهنشاهی پهلوی شاه

دولت مورد نظر لیبرال‌ها، دولت انقلابی نیست. "نظام مشروطه است، منهای سلطنت" (از سخنرانی یکی از سخنگویان بورژوازی لیبرال ایران در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۲۳ اسفند ۱۳۵۷)

و این دولت "حق ندارد از قوانینی که تصویب نشده، استفاده کند" (همانجا)

لذا دولت لیبرال‌ها "در همان نظام سابق (نظام شاهنشاهی)" و "قوانین موجود" (قوانین محمدرضاشاهی) عمل

## لیبرال‌ها مدافع نظام اقتصادی وابسته به امپریالیسم

یکی از سخنگویان بورژوازی لیبرال ایران می‌گوید: تمام قراردادهای (که رژیم محمد رضا با امپریالیست‌ها بست)، "بمنفع طرف" و "بمضر ماست". اما:

"چنین جاه‌های ویلی که دستگاه‌های گذشته کنده‌اند، مملکت به‌ناچار باید درون آن بیفتد و خفه شود". (از سخنرانی اوایل خرداد ۵۸)

یکی دیگر از سخنگویان بورژوازی لیبرال در مورد سرمایه‌داران غارتگری که پایه‌های رژیم محمد رضا منظور در داخل بر روی آن‌ها قرار داشت، می‌گوید:

"تمام مصادر صنعت و تجارت مملکت احساس خطر می‌کنند، نمی‌دانند کجا باید پناه ببرند، نمی‌دانند کجا بروند و تنظلم کنند... صاحبان نفت و تجارت را دعوت به‌کار کنید. این بزرگ‌ترین عامل برای رفع بیکاری خواهد بود."

(از سخنرانی نخستین مدیر عامل شرکت نفت در دولت موقت، در کنگره حقوقدانان، اوایل خرداد ۵۸)

## لیبرال‌ها مدافع فتودال‌ها و بزرگ مالکان

"دستور فرمایشی وسیله ادارات تابعه در اقصی نقاط حوزه آن مدیریت، به‌کلیه زارعین که عدوانا (!) اراضی و موسسات دیگران را تصرف کرده‌اند، اعلام گردد تا تاریخ ۱۸ خرداد سال جاری نسبت به استرداد اراضی مورد تجاوز (!) به‌صاحبان اصلی (!) اقدام نمایند. در غیر این صورت در پایان مهلت مقرر علاوه بر خلع ید از کلیه کک‌های دولت محروم خواهند شد، یعنی هیچ‌کدام از محصولات آن‌ها خریداری نمی‌شود و به‌آنها وام داده نمی‌شود و حتی در مورد دهقانانی که از طریق اصلاحات ارضی زمینی به‌آنها داده شده‌است، پس گرفته می‌شود."

(بخشنامه وزیر کشاورزی دولت موقت، بهار ۵۸)

"اصلاً ما قیلاً هم فتودال‌ها نداریم، چرا که پس از اصلاحات ارضی (مقصود "اصلاحات ارضی شاهانه" است)، هیچ‌کس مالک بیشتر از یک ده نبود! ... بعد از اجرا شدن مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی، ملاحظه می‌شود که دیگر کسی در این مملکت حتی یک ده شش‌دانگ هم ندارد و هم‌اکنون قسمت شده‌است و بزرگ مالکی مطلقاً نیست". (از سخنرانی وزیر کشاورزی دولت موقت)

و هنگامی که قدرت از کف لیبرال‌ها به‌در می‌رود و از فتودال‌ها و بزرگ مالکان، که گویا وجود نداشته‌اند، سلب مالکیت می‌شود و توده‌های میلیونی دهقانان، از هیئت‌های ۷ نفری زمین دریافت می‌کنند، لیبرال‌ها می‌نویسند:

"کلیه احکام و قوانین، حوزه مربوط به زمین و مسکن و کارخانه‌ها و تبدیل ثروت یا صادرات و مجازات‌ها و امتثال آن ... باید متوقف ماند."

## لیبرال‌ها مدافع سرمایه‌داری وابسته

لیبرال‌ها فریاد اعتراض برداشته‌اند که: "اسلام دین تسلیم‌است، نه عصیان" و "کار را به‌جایی رسانده‌اند که اوبدو به‌نام



فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا

"در ایران یک انقلاب مردمی به وقوع پیوسته است. این غیرقابل انکار است. این انقلاب دارای قدرت خارق‌العاده‌است. وظیفه ما پشتیبانی و ابراز همبستگی با ایران است" از سخنرانی رفیق فیدل کاسترو در تظاهرات ۱ اردیبهشت ۱۳۵۹ (اول ماه مه ۱۹۸۰) در هاوانا

"کنگره کوبا وظیفه مقدم خود می‌داند که مراتب تأیید و حمایت خویش را از انقلاب ایران ابراز بدارد، زیرا ما علیرغم فاصلای که بین مرزهایمان هست و تفاوت‌های موجود میان سنن و زبان‌مان، در مبارزات ضد استعماری و ضد امپریالیستی مردمان، که همواره از سوی دولت‌های ظالم و دست نشانده سرکوب شده‌است، متحد هستیم"

از اظهارات نماینده کوبا در "کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران" تهران، خردادماه ۱۳۵۹

به‌مناسبت تشکیل دومین کنگره حزب کمونیست کوبا

# کوبا و انقلاب ایران

بها خاسته‌اند و درست به‌همین دلیل مورد هجوم وحشیانه امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن قرار گرفته‌اند، مورد سرزنش قرار می‌دهند که: "وقتی با جسارت و تذکت بی‌سابقه پنجه در پنجه ابرقدرتی چون آمریکا اندازیم (آمریکایی که "بمب اتم و قدرت بی‌پایان ... در جنته دارد") چرا نباید لاقط قسمت عدده سایل و مطاب را ناشی از این حلات و اقدامات دانست؟ (همانجا)

آنها مردم انقلابی ایران را به‌مسخره می‌گیرند و آن‌ها را به مناسبت برداشتن "لقمه‌های بزرگ از دهان"، استهزا می‌کنند:

"چهل‌قلمه‌های بزرگی که برداشته شد و در مسیر تحول عجیب انقلاب، چه هدف‌های عظیم چون پیروزی دادن مستضعین جهان بر مستکبرین و منهدم ساختن دولت قاهر غول بیکر آمریکا را اتخاذ و اعلام نمودیم ... یا روی دم پلنگ گذاشتیم"

لیبرال‌ها مردم را "تصیحت" می‌کنند که: "مجری برنامه‌های آنها و چیزهایی که جلوی پایمان می‌گذارند، مثلا می‌خواهند مار امپریالیسم را به‌دست ... اسلام و ایران ... بکشند، نشویم" (همانجا)

لیبرال‌ها، با برزیسکی‌ها، دور از چشم مردم ایران، محرمانه ملاقات می‌کنند و همواره "آماده همکاری" با امپریالیسم آمریکا هستند:

"مقابلا اطمینان می‌دهیم که جمهوری اسلامی ایران نیز در مسائل و مصالح مشترک دو کشور، آماده همکاری با آمریکا هست"

## لیبرال‌ها دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را محکوم می‌کنند

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مورد خشم و غضب و توهین و افتزای لیبرال‌ها قرار گرفتند. لیبرال‌ها در اینجا نیز ضدیت آشکار خود را با خط امام نشان دادند و در حالی که امام خمینی بقیه در صفحه ۴

اسطوره مبارزه با سرمایه‌دار معرفی می‌شود. لیبرال‌ها، از اصل "تقدس مالکیت" که به‌سود غارتگران بزرگ سرمایه‌دار و مالک است، مرافقه می‌کنند:

"کار به‌جایی رسیده‌است که ... در بعضی از نهادها گویی اصل مالکیت به‌کلی لغو شده‌است و مصادره کردن، کار ساده و پیشی افتاده‌ای شده‌است"

لیبرال‌ها که ظاهراً دم از قانون اساسی و اجرای آن می‌زنند، با اصل مهم ملی شدن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع داخلی، به‌شدت مخالفت می‌کنند. امیلی که اجرای آن ریشه سرمایه‌داری وابسته و قشر طفیلی‌وغارتگری را که هنوز در بازار وجود دارد، خواهد کند:

"دولت اگر بخواهد خریدار و فروشنده خوبی باشد که نقش‌غرضی کرده و باری بر دوش خودش اضافه ننموده‌است"

## لیبرال‌ها، امپریالیسم آمریکا را دشمن نمی‌دانند

لیبرال‌ها، آمریکا را دشمن نمی‌دانند و توطئه‌های جنایتکارانه آمریکا را به منظور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و غرق کردن دستاوردهای انقلاب ایران در خون مردم ایران، "فرضی" ساخته نیروهای چپ اعلام می‌کنند:

"توطئه‌های فرضی امپریالیسم آمریکا را، که برای آن‌ها اصالت دارد و دشمن‌شماره یک‌مکنشی‌شان می‌باشد، پیش می‌کشیدند"

(از نامه سرکشاده یکی از سخنگویان بورژوازی لیبرال ایران، اواسط مرداد ۵۹)

لیبرال‌ها، به مردم ایران می‌گویند که تمام دشواری‌هایی که آن‌ها تحمل می‌شوند، تقصیر خود آنهاست و اگر با آمریکا چنین رفتار نمی‌کردند و "مقول" تر بودند، به‌چنین وضعی دچار نمی‌شدند! آنها با آزادی کامل و جسارت بی‌سابقه مردم انقلابی ایران را، که به‌مخاطر کسب استقلال و آزادی

زیمباروه هر روز دامنه "بیشتری پیدا می‌کند. در شاخ آفریقا ما می‌بینیم که سواالی تبدیل شده به یک فتنگدار امپریالیسم آمریکا. برای فشار آوردن به جمهوری تازما زاد شده اتیوپی. همه این‌ها را ما می‌بینیم. ولی به‌منظر ما دهه آینده دهه پیروزی‌های بازم چشم‌گیرتر به‌سود نیروهای خلقی در جهان، به‌سود خلق‌های محروم در دنیا، به سود باز هم بیشتر آزاد شدن تعداد تازه‌ای از این خلق‌ها و به زبان مواضع امپریالیسم خواهد بود. امپریالیسم برای هیچ یک از بحران‌هایی که الان درگیر آن هست، نمی‌تواند راه حلی پیدا کند. چه بحران اضافه تولید، که به صورت بحران بیکاری و جحش‌کنندگی در آمده است و چه بحران تورم. با بحران انرژی هم به این آبهائی نمی‌توان روبرو شد. مسلماً در ده سال آینده با تحولات باز هم عمیق‌تری که در مناطق تولید کننده مواد انرژی، بخصوص در کشورهای نفت‌خیز، می‌شود انتظار داشت، بایستی قبول کرد که بحران انرژی هم دنبالی سرمایه‌داری امپریالیستی را دوباره به لوزه درخواهد آورد و بحران اخلاقی و انسانی هم که به‌طور وحشتناکی این کشورها را گرفته است، تنها چیزی که اینک در کشورهای هر رشد یافته سرمایه‌داری افزایش پیدا می‌کند، مصرف مواد مخدر است و دزدی و آدم‌کشی و فحشا. در دنبالی مقابل، یعنی در کشورهای سوسیالیستی، وقتی که به‌مار آنها نگاه کنیم از پدیده‌هایی مانند مصرف مواد مخدر و فساد و غیره اصلاً انرژی نمی‌بینیم. از سوی دیگر، تولید اجتماعی با آموزش عمومی، تعداد دانشکده‌ها، تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان، دانشگاه‌ها، تعداد پزشک برای هر هزار نفر، تعداد مهندسین برای هر هزار نفر، همه این‌ها در حال رشد بی‌سابقه یعنی رشد شتاب‌گیر است. این جاست سابقه واقعی بین دو سیستم جهانی، یعنی دو سمت‌گیری جهانی: سمت‌گیری به طرف صلح، آزادی، استقلال و

پیش‌ش ... بقیه از صفحه ۶

کرده است. ما می‌بینیم که فشار روی خلق ویتنام، از طرف چین، از طرف کشورهای وابسته به امپریالیسم در اطراف ویتنام هر روز بیشتر می‌شود. چین به تحریکات سرحدی هر روز دامنه وسیع‌تری می‌دهد. نیروهای ارتجایی فراری کامبوجیا که الان در کشور همسایه زیر حمایت و با کمک امپریالیسم آمریکا جان می‌گیرند خود را برای حملات شدیدتری به کامبوجیا آماده می‌کنند. هدف آنها هم تنها کامبوج نیست بلکه عبارت از این است که در صورت موفقیت در آنجا باز ویتنام را مورد حمله قرار بدهند. ماسی بینیم که در آمریکای لاتین فشار به کوبا، به کشور تازه پیروز شده در انقلاب نیکاراگوئه هر روز بیشتر می‌شود و در اروپا تحریکات امپریالیست‌ها علیه کشورهای سوسیالیستی دامنه فوق‌العاده گسترده‌ای پیدا کرده است. ما می‌بینیم که امپریالیسم و چین و پاکستان تمام نیروی خود را بکار انداخته‌اند برای این که نگذارند افغانستان با آرامش و زندگی خود را در جاده سازندگی و رفاه عموم خلق زحمتکش و تغییرات بنیادی در جامعه، بسرای ریشمکن کردن فتودالیسم و سرمایه‌داری وابسته طی بکند. ما می‌بینیم که در جنوب آفریقا، آفریقای جنوبی دیگر بم اتمی با کمک آمریکا و اروپای غربی و اسرائیل درست کرده است و با تمام قوا در تلاش است برای این که کشورهای آزاد و مستقلی مثل آنگولا و موزامبیک را دومرتبه زیر سلطه خود در بیاورد، تحریکات امپریالیسم آمریکا در کشور تازه آزاد شده

# کار فرمایان ضد انقلابی با تعطیل کارخانه‌ها در روند تولید اخلال می‌کنند

زیادی در سراسر کشور موجودند که مسئله مالکیت در آنها حل نشده است، و برخی از صاحبان این کارخانه‌ها به انواع توطئه‌ها علیه انقلاب دست می‌زنند. با آنکه نامه‌های شکوایه فراوان از سوی کارگران درج‌راید کشور دیده می‌شود، که خواستار روشن شدن وضع مالکیت در این کارخانه‌ها هستند، اما هنوز حدود مالکیت در بخش صنعتی ناروشن است و همین مسئله دشواریهای فراوان را در مناسبات کار و سرمایه بوجود آورده است. سرمایه‌داران وابسته‌ای که این روزها کمره دانما رکسی و پنیر هلندی و وورمیشل ایتالیایی را، اگر از زیر سنگ هم شده، تهیه و به کشور وارد می‌کنند و با بندوبست با طرفهای بازرگانی خود در کشورهای سرمایه‌داری، هر نوع کالایی را با چند دست واسطه تهیه و با قیمت‌های سرسام‌آور به مشتریان طاغوتی خود قالب می‌کنند، آنجا که پایداری تهیه مواد خام بعیان می‌آید، گنبدشان لنگ می‌شود و آیه "یا سدر کوش کارگران سرمایه‌داری" بهانه کمبود و فقدان مواد خام، کارگران را به خیابانها میریزند.

اخیرا رسیده از برخی کارخانه‌ها، دلالت بر تشدید فعالیت کار فرمایان ضد انقلابی در سو- استفاده از مشکلات و ناسامانیها برای تعطیل کارخانه‌ها دارد. بهانه‌های توقف و تعطیل گوناگون است: از فقدان وسایل بدکی و مواد خام گرفته، تا قطع برق و کمبود آن، بهانه تعطیل شده است تا آنجا که ما اطلاع یافته‌ایم:

\* کار فرمای شرکت ساختمانی خور دین، چندی پیش ضمن اطلاعیه‌ای به کارکنان خود اطلاع کرد که به علت کمبود مصالح ساختمانی و نیز فقدان امکانات، ادامه عملیات ساختمانی متوقف می‌شود و کلیه کارمندان و کارگران شرکت، از این پس سمتی نخواهند داشت. اما کارکنان مدارکسی مبنی بر رد دلایل کار فرما در تعطیل کارخانه را به داده‌اند.

\* کار فرمای کارخانه فرش و پنبوی ما زنده‌ران، در نخستین روزهای آذرماه، کارخانه را تعطیل و در برابر روی کارگران بست.

\* کار فرمای کارخانه شاجی شیراز (پارچه بافی ایگار) به بهانه عدم امکان در استتار سریع کارخانه، تولید را متوقف داد، اما پس از یکماه، برای فشار کارگران، مجبوره استتار کارخانه شد.

\* شرکت ما تا در چوکای گیلان، به علت نابسامانیهای ناشی از عملکرد مدیریت در شرف تعطیل است.

\* کارخانه اتومبیل سازی (سایپا) چندی است که عملا متوقف شده. در این کارخانه ۲۲۰۰ کارگر و ۵۰۰ کارمند کار می‌کنند. مواد اولیه کارخانه، که قبلا از فرانسه تامین میشده، پس از انقلاب، بدستال محاصره اقتصادی کشور از سوی امپریالیسم آمریکا، با تاخیر، کسری و توام با فاسیاد توسط فرانسه تامین می‌شود و مدیران کارخانه عملا مانع از عقد قرارداد جدید با سایر کشورها هستند.

## این بود مثنی از خروار

توطئه کار فرمایان ضد انقلابی، بلافاصله پس از انقلاب آغاز شد، زمانی که عده زیادی از آنان، ماشینها و مواد اولیه را به پول تبدیل کردند و از کشور گریختند و آنها هم که ماندگار شدند، به کارشکنی در تولید ادامه دادند. بهمانی شدن کارخانه‌های بزرگ، بخش اعظم کارخانه‌های مالکیت دولت درآمدند، ولی هنوز کارخانه‌های

# دستفروشان را دریابید!



اولین نظاره‌کارگران شرکت هوشیاف به همراه ۱۵ تن از شرکت اخراج می‌شود. بعد از انقلاب که کلیه کارگران با خرید می‌شوند، به او هیچ چیز داده نمی‌شود. درآمدش کفاف مخارج زندگی را نمی‌کند. در پاسخ این سؤال که از انقلاب چه انتظاری دارید، چنین گفت:

"ما از مسئولان امر می‌خواهیم که با ایجاد کار برای بیکاران و هم چنین قرار دادن وام در اختیار آن‌ها، که استطاعت آن را دارند که کارگاههای تولیدی و خدمات دایر کنند، قرار دهند."

اینها نمونه‌هایی بود از خیل عظیم بیکاران، که مشغول دستفروشی در بندر بوشهر هستند. به اینها باید گروه بی‌شمار میوه‌فروشان و تعویض روغنی‌ها و ... که در حاشیه خیابانها مشغول کارند، اضافه کرد.

زندگی دستفروشان نیز مانند دیگر زحمتکشان و مجروران جامعه بسیار اسفبار است. آن‌ها خواهان رسیدگی به وضع خود هستند. آن‌ها توقع زیادی ندارند و حق طبیعی خود را، که یک انسان برای ادامه زندگی به آن احتیاج دارد، می‌خواهند. امیدواریم که مسئولان امور به خواسته‌های به حق دستفروشان پاسخ مثبت دهند.

"بعد از انقلاب انتظار داشتیم مکانی در اختیار ما قرار داده شود، تا با گرفتن وام بتوانیم یک کار ثابت داشته باشیم. اگر دولت این کار را انجام دهد، دستفروشی‌های خود را تعطیل می‌کنیم."

راجع به تهیه اجناس برای فروش گفت:

"تمامی اجناسی را که برای فروش می‌آوریم، مجبوریم از تهران و شهرهای بزرگ تهیه کنیم، به علت این که غیر از این چاره‌ای نداریم و در غیر این صورت متضرر می‌شویم. به علت درآمد کم روزانه، مسافرت و تهیه اجناس نیز دشواری‌هایی برای ما ایجاد می‌کند. یکی دیگر از دستفروشان اسفندیار نام دارد. در ابتدای بازار قدیم بوشهر به دستفروشی لباس‌های بچگانه مشغول است. او متاهل است و ۷ فرزند دارد. در یک خانه اجاره‌ای زندگی می‌کند. صاحب‌خانه چندین بار به او اخطار کرده بود که خانه‌اش را تخلیه کند. در این جریان دادگاه انقلاب و بنیاد مستضعفان از او حمایت کرده‌اند. قبل از انقلاب در شرکت هوشیاف (شرکت ساختمانی آلمانی که مشغول بنای ساختمان انرژی اتمی در بوشهر بود) در بخش لوله‌کشی کار می‌کرده است. در جریان

بعد از تحریم اقتصادی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بروج عظیم بیکاران افزوده گردید. و این امر می‌تواند حربه قوی برای سوءاستفاده ضد انقلاب باشد. به همین جهت لزوم اقدامات قاطع و بنیادی از طرف دولت در جهت حل این بحران عظیم، باید انجام گیرد، تا ضدانقلاب را در این عرصه با شکست روبرو سازد.

زحمتکشان دستفروش در واقع گوشه‌ای از دریای عظیم بیکارانی هستند که برای به دست آوردن حداقل هزینه زندگی به این کار روی آورده‌اند. در حاشیه خیابان‌های بندر بوشهر، قبل از گشوده شدن مغازه‌ها، دستفروشها بساط خود را پهن می‌کنند و مشغول کسب می‌شوند. چهره‌های گرم‌زده و آفتاب سوخته آنها نشانی از خستگی کار روزانه در زیر آفتاب داغ دارند. با آنها که به صحبت می‌نشینیم از مشکلات خود می‌گویند: از بیکاری و کمبود درآمد و گرانی و ... گرفته تا نداشتن مسکن و تامین زندگی آتیه. با یکی از آنها به صحبت می‌نشینیم. نامش محمد است. وی مجرد است. ۳۵ سال سن دارد. شروع به صحبت می‌کند:

"۴ الی ۵ سال است که دستفروشی می‌کنم و در خانه اجاره‌ای بسر می‌برم. او در مورد مخاطراتی که به علت بی‌سرباهی، از آن جمله خطرزدیدن اموالشان وجود دارد، سخن می‌گوید و سپس ادامه می‌دهد:

"هیچ‌گونه سندیکا و سازمانی برای احقاق حقوق خود نداریم. از این طریق کسب و کار ناراضی هستیم و اگر مقامات مسئول کاری را برای ما در نظر بگیرند، حاضریم دنگهای خود را تعطیل کنیم."

درباره انقلاب از او می‌پرسیم، می‌گوید:

"ما اکنون آزاد هستیم و می‌توانیم خواسته‌های خود را به گوش مسئولین برسانیم. غلامرضا رضایی، یکی دیگر از دستفروشهای حاشیه خیابان است. لباس و پارچه و از این قبیل چیزها می‌فروشد. او نیز چهار الی پنج سال است که مشغول دستفروشی است. متاهل است و چهار فرزند دارد. در آمد او نیز کفاف مایحتاج زندگی را نمی‌دهد. از گرانی و کمبود احتیاجات روزانه ناراحت است. درباره کار ثابت می‌گوید:

## لیبرال‌ها ...

بقیه از صفحه ۳

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را، که لانه جاسوسی آمریکا را تهیه کردند و چوکاب متعفن توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را بیرون ریختند و با افشای اسناد لانه جاسوسی نقاب از چهره‌های بسیاری دریدند، "فرزندان عزیز" که ملت را سرفراز کردند، نامید، لیبرال‌ها آن‌ها را مورد توهین قرار دادند:

"ایم خودشان را می‌گذارند خط امام، خط شیطان‌اند اینهایی که افشا می‌کنند، آخه فلان فلان شده‌ها ... بی‌شرف‌اند اینهایی که می‌گویند ما با آمریکایی‌ها راه یک رفیقیم و راه سازش رفیقیم. اینها ضد انقلابند."

(ارسخترانی یکی از سخنگویان بورژوازی لیبرال ایران، در روز ۱۹ اسفند ۵۸ در مسجد جامع نارمک)

## لیبرال‌ها: آزادی و عفو برای ضدانقلاب معلودیت و خشم علیه نیروهای مدافع انقلاب

لیبرال‌ها، از همان روز نخست با مجازات ضد انقلابیون و جنایتکاران رژیم پهلوی مخالفت کردند و عمل‌دادگاه‌های انقلاب را

افشا کنند و مانع از اجرای آن شوند. خطاب ما به مسئولان حکومتی است که با روشن ساختن حدود مالکیت در بخش صنعتی، به ملی کردن کارخانه‌های غیرمشمول اقدام کنند. ضمانت‌دولت می‌تواند با وارد کردن مواد خام اولیه از کشورهای بی‌خواهان مناسبت عادلانه و برابر حقوق بازرگانی

## لیبرال‌ها ...

باید با ایجاد کار برای بیکاران و هم چنین قرار دادن وام در اختیار آن‌ها، که استطاعت آن را دارند که کارگاههای تولیدی و خدمات دایر کنند، قرار دهند."

اینها نمونه‌هایی بود از خیل عظیم بیکاران، که مشغول دستفروشی در بندر بوشهر هستند. به اینها باید گروه بی‌شمار میوه‌فروشان و تعویض روغنی‌ها و ... که در حاشیه خیابانها مشغول کارند، اضافه کرد.

## لیبرال‌ها: آزادی و عفو برای ضدانقلاب معلودیت و خشم علیه نیروهای مدافع انقلاب

لیبرال‌ها، از همان روز نخست با مجازات ضد انقلابیون و جنایتکاران رژیم پهلوی مخالفت کردند و عمل‌دادگاه‌های انقلاب را

افشا کنند و مانع از اجرای آن شوند. خطاب ما به مسئولان حکومتی است که با روشن ساختن حدود مالکیت در بخش صنعتی، به ملی کردن کارخانه‌های غیرمشمول اقدام کنند. ضمانت‌دولت می‌تواند با وارد کردن مواد خام اولیه از کشورهای بی‌خواهان مناسبت عادلانه و برابر حقوق بازرگانی

بما هستند، سدره توطئه کار فرمایان شود و بهانه‌ها از آنان بگیرد. مدارا با ضد انقلاب به زیان انقلاب است.

این تصویر کوتاه، ولی دقیق، واقعیت کامل جامعه‌ای است که لیبرال‌ها در صدد ایجاد آن هستند. هشیار باشیم!

### سود انقلاب در این است

# اهدای زمین به هیئت‌های هفت نفری برای احیای اراضی و کامل قانون اصلاحات ارضی

در شرایطی که ضدانقلاب از خارج و داخل کشور علیه انقلاب فعالیت گسترده‌ای را آغاز کرده است، نباید اجازه داد که لبرال‌ها، عوامل مالکان بزرگ، چماقداران، روحانی- نمایان، که همه در جهت مخالف خط امام و اهداف انقلاب عمل می‌کنند، موفق به "آزاد گذاشتن" غاصبین و غارتگران درمکیدن خون دهقانان زحمتکش شوند.

انقلاب ما به همین درایت رهبر انقلاب و فعالیت میلیونها دهقان زحمتکش و هشیاری مسئولان انقلابی متعهد اجازه نخواهد داد که شیعه عمر اقتصاد کشور در دست‌های چپاولگر ناپاک و فاسد فئودالهای بزرگ قرار گیرد.

نیاز انقلاب ما و ضرورت شرایط بسیار حساس ناشی از جنگ و تشدید توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، حکم می‌کند که با ادامه اجرای کامل طرح شورای انقلاب، دسیسه مالکان بزرگ در نقطه خفه گردد و زمین به صاحبان اصلی آن برگردانده شود و میلیونها دهقان زحمتکش و ستم‌دیده به انقلاب امیدوار شوند.

مالکان بزرگ، پایگاه امپریالیسم و ضدانقلابیاند. غارتگر و زورگو، مانع رشد اقتصادی، خرابکار در حربه و پشت جبهه هستند.

دهقانان زحمتکش پایگاه نیرومند انقلاب، ستون مهم ارتش بیست

میلیونی هستند، رنج دیده، ولی صاحب حق هستند، در رشد تولید و کشت بیشتر ذینفع هستند و چه در کشتزار نیروی مهم مقاومت در برابر تجاوز و توطئه شمار می‌روند.

هر قدر زودتر دوره "وقت تعویق" اجرای بند "ج" پایان یابد، بیشتر به سود انقلاب است.

هیئت‌های هفت نفری هر قدر بیشتر مورد حمایت نهادهای انقلابی و مسئولان آگاه قرار گیرند، بیشتر به سود انقلاب است.

ادامه فعالیت هیئت‌ها از هم- اکنون و در تمام مناطق مساعدودر مورد بندهای از قانون، که می‌تواند غالب اراضی مالکین بزرگ را دربر گیرد، به سود انقلاب است. بزرگ مالکی باید حتما و کلا ریشه‌کن شود. این وظیفه حتمی و ناگزیر انقلاب و شرط تداوم، سلامت و پیشرفت آن است.

می‌تند. همین اخیرا وزیر کشاورزی به‌درستی اظهار شدیدی داد و عمل فئودال‌ها را ضد انقلابی دانست.

واقعیت این است که سپردن مجدد بخش عظیمی از تولید کشاورزی کشور به دست بزرگ مالکان تهدیدکننده عظیم برای استقلال اقتصادی میهن است. آنها برای ضربه زدن به انقلاب، با سوءاستفاده از مشکلات شرایط جنگی و کمبودها و بیانه‌های مختلف، از زیرکشت بردن اراضی سرباز می‌زنند. ادامه مالکیت آن‌ها آشکارا به زیان انقلاب و اقتصاد ما و میلیون‌ها ایرانی است.

تعویق موقتی بند "ج" نباید بیانه‌ای به دست این غارتگران برای جلوگیری از یکی از اساسی‌ترین برنامه‌های انقلاب شود. نباید گذاشت که این طاغوتیان استثمارگر مثل خوره به جان جمهوری اسلامی ایران و اهداف خلقی آن بیفتند و با کمک لبرال‌ها، این موربانهای انقلاب، و روحانی‌نمایان، این آفات نابود کننده انقلاب، ثمرات آن‌ها را بپزند و مقاومت را به باد دهند.

توقف در اجرای بند "ج" طرح شورای انقلاب در عمل نمی‌تواند مانع واگذاری اکثر اراضی زمین- داران بزرگ به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین شود، زیرا در واقع اکثر این اراضی مشمول بندهای "الف" و "ب" می‌شوند و تا هنگامی که این تعویق موقتی ملغی شود، وظیفه انقلابی هیئت‌های هفت نفری است که عملا غصبی بودن اکثریت مطلق اراضی بزرگ مالکی با کشت شدن کامل و کافی آن‌ها و بازگذاشتن تعمدی آن‌ها و پاک‌کاری بر روی آن‌ها را اثبات کنند و زمین‌ها را به دهقانان واگذار نمایند.

واگذاری زمین منشر شد و باعث تاسف گردید. عدم اجرای قانون مصوبه شورای انقلاب، حتی به صورت تعویق موقتی، در جهتی است که نمی‌تواند نیازهای مرمز انقلاب را برآورده سازد و به حل یکی از حادترین مسائل میهن انقلابی ما کمک کند. برعکس، می‌تواند دستاویز و بیانه‌ای برای ادامه چپاولگری و غارت بزرگ مالکان و غاصبان قرار گیرد. در صورتی که همه می‌دانند - همان‌طور که امام خمینی گفته‌اند - غالب این مالکیت‌ها از طریق سند سازی و تصرف عدوانی به دست اربابان افتاده است و در واقع اکثر زمین‌های اربابان مشمول بند "ب" می‌شود، اکثر این زمین‌ها یا غصبی است یا تعمداً به زیر کشت نمی‌رود.

بنابراین عمل هیئت‌های هفت نفری در آنها کاملا ضروری است. در این شرایط حساس که میهن انقلابی ما به جنگ با امپریالیسم و صدام مشغول است، باقی گذاشتن این اراضی در دست اربابان به اسم توقف بند "ج" به خودکفایی کشاورزی و استقلال اقتصادی ضربه خواهد زد. بدون شک برای مسئولین صادق و با حسن نیت واگذاری زمین این شبهه وجود ندارد که می‌توان گریز را رام کرد و با عدم اجرای بند "ج" زمین- داران بزرگ را گویا می‌توان تشویق کرد که به خودکفایی کشاورزی کمک کنند. آنها به‌درستی می‌دانند که این غارتگران هرگز به فکر آن نیستند که عدم برداشت محصول در مناطق جنگی را جبران کنند. آتش زدن خرمن‌ها، تخریب کشتزارها و تلمسه‌ها و خراب‌کاری‌های عظیمه نشان داده است که نیش اربابان غارتگر برای نظام پیوسیده شاهی و امپریالیسم

نهاد انقلابی تازه، فعال، مردمی، متکی به مردم و خصم زورگویان مجبیز و غنی تر شد.

در سراسر میهن انقلابی، هیئت‌های هفت نفری شروع به فعالیت کردند. در هر محل دو نفر از اعضاء هیئت به انتخاب خود دهقانان برگزیده می‌شدند و ۵ تن دیگر نمایندگان نهادهای انقلابی و ادارات دولتی مسئول بودند. هیئت‌های ۷ نفری، مأمور اجرای قانون واگذاری زمین مصوبه فروردین ۵۹ و آیین- نامه اجرایی اردیبهشت ۵۹، در کنار نهادهای انقلابی، از جمله جهاد سازندگی و پاسداران مردمی، برای ریشه‌کن کردن بزرگ مالکی به پا- خاستند و با تأکید امام خمینی و پشتیبانی میلیونها دهقانان کار خود را دنبال کردند. در برابر این جنبه انقلابی و تحول‌بخش، یک جبهه ضد انقلابی و بازدارنده قد علم کرد.

زمین‌داران بزرگ و چماقداران آنها و روحانی‌نمایان وابسته به آنها و مخالف با خط امام و لبرال‌های دستیار آنها و موافق با سلطه صاحبان زور و زر از هیچ توطئه‌های رویگردان نشدند. این پایگاه امپریالیسم و ضد انقلاب با اعمال انواع فشارها کوشیدند تا با تاخیر و توقف به روند انقلاب ضربه زند و آن‌را، به منزله عقب‌نشینی و عدم کارایی نهادهای انقلابی وانمود سازد. از این راه آنها کوشیدند تخم باس و نومیدی در میان دهقانان بپراکنند و انقلاب را تضعیف و شالوده حاکمیت و مالکیت غاصبانه خود را مستحکم کنند. در این شرایط است که اطلاعیه ستاد مرکزی هیئت- های هفت نفری در مورد توقف، هر چند موقتی، اجرای بند "ج" طرح

طرح شورای انقلاب در مورد واگذاری و احیای اراضی، که بنا تاخیر، اما پربار، به سود انقلاب و استقلال و آزادی ایران و در جهت رشد اقتصادی کشور به تصویب رسید، و با امضاء و تأیید آیت‌الله منتظری و آیت‌الله مشکینی، یکبار دیگر خط

پهروان اسلام راستین، خط خلقی امام خمینی را از خط روحانی- نمایان و وعاظ السلاطین جدا کرد، خون‌تارهای در رگهای دهقانان زحمتکش به جریان انداخت و کام مهمی به سوی تعمیق انقلاب و نیل به هدف‌های اساسی آن به‌شمار رفت. دهقانان بی‌زمین و کم- زمین، این دست‌ها- و بازوهای رنج و کار، با جان و دل از تصمیم شورای انقلاب دایره به ریشه‌کن کردن فئودالیسم پشتیبانی کردند. آنها به عیان دریافتند که ادامه

اغلب دست غارتگران و غاصبان را در تمام سطوح با قدرت و توانمندی قطع می‌کند، زیرا منقطع به رنج- دیدگان و محرومان است و حاصل یک عمر مشقت و رنج دهقانان را به آنها باز می‌گرداند و حق را به حقدار می‌رساند. دهقانان به‌درستی از انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی خود انتظار انجام اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی را داشتند و دورنمای اجرای آن را دیدند.

رهنمود امام خمینی در مورد سپردن حق تصمیم‌گیری برای واگذاری و احیای اراضی به آیت‌الله منتظری و آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله مشکینی و نتیجه جلسه مشترک این سه فقیه، مشت محکمی بر دهان مالکان بزرگ و بخصوص روحانی‌نمایان جیرمخوار فئودال‌ها زد و لبرال‌هایی را، که هم‌دست غارتگران‌اند و از زمان دولت موقت خرابکاری می‌کردند، به‌جای خود نشاند.

هیئت‌های هفت نفری با شروع به اجرای این طرح به عنوان یکی از ستون‌های محکم و استوار انقلاب شکوهمند ما، در خدمت به توده‌های محروم روستا و مقابله با بهره‌کشی و ظلم و جور غاصبان و بزرگ مالکان از هیچ کوششی دریغ نرورزیدند و در اجرای سخن امام خمینی، که فرمود: "حقوق حقه مردم محروم، که عمری است مالکین و سرمایه‌داران بزرگ خورده‌اند، به محرومین پس داده می‌شود"، به جان کوشیدند. در عمل انقلاب ما در سیر ظفرمند خود بایک

## باز کاران آذربایجان شرقی



در آذربایجان شرقی ۱۶۰۰ هکتار زمین زیر کشت پیاز است، که یک چهارم نیاز کشور را برآورده می‌کنند. اما سطح تولید یائین است، و وسایل کار نیست، شرکت تعاونی نیست، واسطه‌ها پیمان می‌کنند شرایط زندگی و تولید نامناسب است، به این دهقانان باید کمک کرد تا تولید را بالا ببرند و اقتصاد سالمی را پایه ریزی کنند. هر کیلو محصول بیشتره ضررهای است به توطئه آمریکا!

## اراضی مشمول قانون اصلاحات ارضی فراوانند

### هر چه سریعتر این قانون را به اجرا در آورید

روستای گلستانه، واقع در بخش طوقرود خلیجستان و از توابع شهرستان قم است. این روستا تا مرکز بخش ۵۵ کیلومتر فاصله دارد. در روستای گلستانه در تابستان ۲۵ خانوار زندگی می‌کنند و در زمستان، به خاطر درس بچه‌ها این عدد به ۱۴ خانوار تقلیل می‌یابد. اهالی روستای گلستانه به کشاورزی و دام‌داری اشتغال دارند. تعداد خانوارهای کشاورز ۱۲ تا است. در روستای گلستانه ۴ خانوار فاقد زمین هستند و نصف‌کاری می‌کنند. سایر خانوارها همگی کشاورز هر کدام بین ۲ تا ۲۵ هکتار زمین دارند. زمین بایر بسیار زیاد و در مقابل آن آب برای آبیاری بسیار کم است. آقای حسن باقری می‌گوید: "۱۰۰ جوان بی‌کار این روستا در قم هستند. اگر آب در ده باشد، دیگر بقم نمی‌روند و نیز عده‌ای از جوان‌ها در شهریار صفی‌کاری می‌کنند. روستای گلستانه فاقد درمانگاه و دیگر امکانات درمانی است و فقط پزشک از سوی جهاد به این روستا اعزام می‌شود. فاصله روستا تا نزدیکترین درمانگاه یعنی گازرون ۱۸ کیلومتر است. روستای گلستانه همچنین آب لوله‌کشی ندارد و آب مصرفی اهالی از قنات تا مین می‌شود. در این روستا شورا تشکیل شده است. قنات روستا به وسیله جهاد لایروبی شده است. روستا مدرسه دارد، ولی معلم ده هفتای دوروز می‌آید و بچه‌ها به‌طور پیگیر آموزش ندیده‌اند. یکی از اهالی روستا دیپلم دارد و بیگزار است و حاضر است معلم روستا شود. اینکه متأسفانه اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی موقتا به تاخیر افتاده است، باید هر چه بیشتر از هیئت‌های هفت نفری حمایت کرد، تا آنها فعالیت خود را ادامه دهند و به اجرای

## دهقانان زحمتکش! دفاع از میهن و درهم شکستن توطئه امریکا به معنای تولید بیشتر و کشت بیشتر نیز

هست. یک وجب از زمین زراعی را بدون کشت نگذارید. بیل شما که بزمین فرو می‌رود سر نیزه‌ای است به قلب دشمن





# خرمگس:

## دست نشستن از زندگی خود بخاطر مردم

به آن کودکانی که گل سرخ می افشانند نگاه کن، وبه آوازشان، اگر دلتشین است، گوش فراده: بخاطر آن خاک است که دهان من مملو از خاک است، و سوزی آن گل‌های سرخ از چشم‌های قلب من است، زیرا چنین آمده است: برای انسان عشقی والاتر از آن نیست که بخاطر پاریش دست از زندگی خود بشوید.

(خرمگس، ترجمه فارسی، چاپ دوم، صفحه ۲۷۲)

با این سخنان منسلی از انقلابیون ایران زیسته اند و در لحظه اعدام، مدار صدای "خرمگس" انداخته اند، و همچنان که در شب‌های تیره ستم و خفقان، کتاب ممنوع "خرمگس" را در جایی پنهان می کرده اند و یادستی می رسانده اند سرشار از نیروی که از ذرات حماسه "خرمگس" میتروید، برای لحظه‌های رویارویی با دشمن آماده شده اند.

اکنون این کتاب، اثری که نام "اتل لیلیان و پینتو" (۱۸۶۴-۱۹۶۰) نویسنده انگلیسی را در ایران پرازانده است که چنان دیگر انقلابیون جهان آرا خوانده باشند، بصورت فیلمی که در اتحاد شوروی ساخته شده، بر پرده سینمای "عصر جدید" در تهران است.

انبوه تماشاگرانی که حتی ایستاده فیلم "خرمگس" را تماشا میکنند، نشان میدهد که پیوند این اثر با نسل جوان برآمده از انقلاب ناگسستنی است منسلی که صدها هزاران نفر از آن، به جاسه‌های چون "خرمگس" فریده اند، با زهم از این اثر حماسی نیرومی-گیرد، تا به نبرد سترگ خود ادامه دهد.

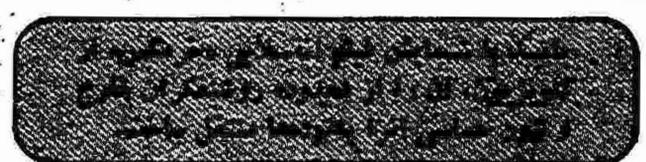
در "خرمگس" فعالیت سازمان "ایتالیای جوان" در سال‌های ۳۰ تا ۳۵ قرن نوزدهم باز-آوردنی شده، در آن دهه، پس از قلع و قمع ارتش ناپلئون سراسر ایتالیا به هشت کشور جداگانه تقسیم شده بود، و ایتالیا عملاً در اتحاد ارتش اتریش

بود، رئیس کلیسای کاتولیک پاپ رم، از اشراف‌گرایان اتریشی حمایت می کرد و خلق ایتالیایی با هر دو نیرو می رزمید. در سال ۱۸۳۱ "روز مازینسی" انقلابی مشهور ایتالیا، که از میهن خود رانده شده بود، سازمان مخفی "ایتالیای جوان" را پایه گذاری کرد. ایتالیاییان سازمان در سال ۱۸۷۰ توانست دشمن را براند و ایتالیا را متحد کند.

رمان در سال ۱۸۳۲ آغاز میشود، در این اثر خواننده با "رتور" جوانی آشنا میشود که فرزند نامشروع یک کشیش از شهرهای قدیمی ایتالیا-است. این جوان، که در امان کلیسای کاتولیک رشد یافته، با سازمان "ایتالیای جوان" آشنا میشود و به آن می پیوندد. در این سازمان دختری

بعزاز آزادی "رتور" هم‌ا و راجع به یک خاشن نگاه می-کنند و از خود می رانند. "رتور" در نامه‌ای می-نویسد که خودکشی کرده و به آمریکا لاتین می رود. اما در آنجا بمر میبرد، اما سال این ۱۳ سال را خاشن "لیلیان" و پینتو، در رمانی بنام "دوستی گسیخته" شرح داده است.

هنگامیکه او بر میگردد، یک انقلابی تمام عیار است که با نام "مسیحیو" در ایتالیا بعنوان یک خارجی در ایتالیا میگردد و با نام مستعار "خرمگس" از رهبران جنبش است و هیچ کس نمیداند براسی او کیست. در رمان بویژه رابطه دوگانه "رتور" با پدر "مونتالی" که از سویی در آتش عشق پندری اش میسوزد و از سوی دیگر بخاطر آنکه در خدمت ظلم است، به



نویسنده اثر، خرمگس

او نرفت میوزد، و سپس عشق پنهانی که به "است" در سینه دارد، بر جسته شده است. چند روزی با این انقلاب است که "رتور" جان خود را نثارش میکند و با شوریدن بر جهانی که قبلاً به آن تعلق داشت، فرمان آتش به جوخه اعدام خود میدهد، ولی در مان روابط فردی شخصیت-ها برجسته تر است. در فیلم، هر یک مبارزه "رتور" و سازمان او برای رهایی ایتالیا به خط اصلی تبدیل شده است. این تغییر، فیلم را به یک اثر انقلابی تبدیل کرده است. این تغییر بنا بر اساس رمان است. در رمان، رتور از زیاده‌ترین قسمت‌های رمان، یعنی صحنه حضور پدر "مونتالی" در کلیسای اعدام او منتقل شده، و در نتیجه تغییر شخصیت پدر "مونتالی" که سبب نابودی او توسط کلیسا میشود، حذف شده است.

عشق "رتور" به پدر "مونتالی" بعد از آنکه پدر "مونتالی" از طرف پاپ به رم احضار میشود، کشیش دیگری جای او می آید و پدر "مونتالی" مراقبت از روح "رتور" جوان را به او می سپرد. این کشیش برخلاف پدر "مونتالی" که از نظر شخصی انسان و بیگانه‌گسار بود، یکسره جاسوس دستگاه تفتیش عقاید کلیسا است. "رتور" نزد او اعتراف می-کند و نام رهبر سازمان را می گوید. شب بعد، در حالیکه "رتور" می پندارد پدر "مونتالی" آنها را لو داده، اعضای سازمان دستگیر میشوند

البته به آسانی میتوان از این زیبایی هنری بخاطر روح انقلابی فیلم صرف نظر کرد. اما آنچه باید بویژه به آن توجه کرد، و آرام آرام دارد بار دیگری میگیرد - سلاخی فیلم توسط قیچی، سانسور است. در شرایطی که، طبق قانون اساسی، با سانسور سانسور ممنوع است و هیچ دستگاه رسمی هم برای سانسور فیلم‌ها وجود ندارد، سانسور آنچه دلخواسته بر سر فیلم آورده است، تردید نیست. که میباید البته طبق قانون - صحنه‌های فدا انقلابی و غیره - اخلاقی حذف شود، ولی صحنه - های انقلابی چرا باید سانسور شود؟ مثلاً از صحنه بسیار طولانی ملاقات "خرمگس" با پدر "مونتالی" در زندان، تنها چند پلان کوتاه باقی مانده و سخنان "رتور" کاملاً - بنابر از یک جمله - یا حذف شده و یا تغییر پیدا کرده است. همین کار در مورد سخنان پدر "مونتالی" هم انجام شده است. در نتیجه، نه تنها درک شرایطی که پدر "مونتالی" در آن، با اعدام "خرمگس" مواظقت کرده، غیرممکن شده است، بلکه تغییر کرده و به نیز کاملاً تغییر کرده و به ضد خود تبدیل شده است! (برای جزئی مطلب میباید از تماشاگران و خوانندگان



رتور در زندان

خواست که به اصل رمان مراجعه کنند) خود فیلم نیز در صحنه اعدام "خرمگس" که باز هم از دستبرد سانسور مضمون نمانده، که مرکز تزلزل اثر است و همه بار تاتیرگذار و بسج کننده حساست به آن محول شده، موقتاً سانسور شده است. در تصویر این صحنه، که طبیعتاً باید در فیلم قوی تر باشد، موفق تر است. خوشبختی "خرمگس" و طنزی که در آخرین لحظات حیات از آن سوز می-جوید، تا نظام حاکم را رسوا کند، در فیلم قریباً موش‌زده است. شلیک خوب بیرونی نشده است. در مجموع این صحنه - آن چنان که باید موفق نیست. اما فیلم، با اینهمه، یک فیلم انقلابی بسیار موثر است که میتواند در بسج توده‌ها سخت مفید باشد و بویژه در این شرایط، آنها را علیه دشمن تبار و زکرا، ز نظر روحی و معنوی مسلح کند. اما متأسفانه این اثر انقلابی هم، مانند آثار دیگری از این دست، فقط تهران نمایش داده میشود. آیا بهتر نیست این فیلم از تلویزیون پخش شود، تا شور انقلابی آن به توده‌ها منتقل گردد؟

## همکاریهای نظامی گسترده رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق با عربستان سعودی بر زمینه ایجاد پیمان نظامی امریکا فرموده در منطقه خلیج فارس

تازه‌ها فهد بن عبدالعزیز، ولیعهد عربستان سعودی، در آخرین روز دیدار خود از پاکستان، در محابه با خبرنگار اردوی پاکستان اظهار داشت: «تاریخ قلمه جغرافیای میان دو کشور، ماماتد یک روح و یک جسم متحد هستند».

ولیعهد عربستان سعودی، ضمن اطمینان دادن به پاکستان در مورد همکاری نظامی رژیم عربستان، رژیم دستنشانده ضیاءالحق، گفت: «فرزاده آسیایی که به پاکستان وارد آید، مداخله در عربستان سعودی تلقی خواهد شد».

دیدار فهد بن عبدالعزیز، ولیعهد عربستان سعودی از پاکستان، که در دنبال مسافرت چندی پیش وی به امارات عربی و شیخ‌تیمان این منطقه انجام گرفته، دارای هدف مشترک است. ولیعهد عربستان سعودی در مسافرت خود به کشورهای ساحل خلیج فارس، مسئله ایجاد یک پیمان نظامی را مطرح ساخت، که رژیم ضیاءالحق دستنشانده آمریکا در این منطقه را در بر خواهد گرفت. وی در دیدار خود از پاکستان نیز از اتحاد نظامی دو کشور و همکاری نظامی عربستان سعودی به رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق سخن میگوید.

با توجه به نقش کمربستان سعودی در این منطقه در اجرای برنامه‌های نظامی و تدارکات جنگی امریکایی، امریکا ایفا میکند، موافقت و قراردادهای نظامی که میان عربستان سعودی با پاکستان و دیگر رژیمهای سرسپرده آمریکا منعقد میگردد، در واقع ماموریت است که از جانب وزارت دفاع و دروازه جاسوسی آمریکا به‌عهده این کشور محول شده است.

همچنانکه در مقالات مربوط به تعدی و توسعه تدارکات جنگی و حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند در ماه «مردم» خنلرتان شده است، امریکاییان آمریکا پس از پیروزی انقلاب دمکراتیک در افغانستان و پیروزی انقلاب شکوهمند مردم چین ما و استقرار نظام جمهوری اسلامی در

ایران، توطئه‌ها و فعالیت‌های نظامی خود در این منطقه را به منظور تهدید به مداخله نظامی و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز تهدید وضعیت جمهوری دمکراتیک افغانستان، کشورهای عضو جبهه پایداری: سوریه، الجزایر، لیبی، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین، همزمان در دو ست و هم‌راستا میگرداند: از یکسو تمرکز بر ایجاد بزرگ نیروی دریایی و هوایی آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و استقرار واحدهای افریزیروهای واکش سریع، در پایگاه‌های نظامی آمریکا در این منطقه، و از سوی دیگر تقویت و گسترش همکاریهای تسلیحاتی و نظامی آمریکا به رژیم ضیاءالحق دستنشانده و پیروزی سیاسی و نظامی این رژیم به منظور اجرای توطئه‌ها و عملیات مشترک تجاوزگرانه علیه رژیم ضیاءالحق مستقل ملی در منطقه.

طبق همین برنامه است که بویژه طی سال‌های دیدارهای مقامات رسمی رژیم ضیاءالحق دستنشانده آمریکا و مذاکرات آنان در باره همکاریهای نظامی و قراردادهای جدید تسلیحاتی افزایش یافته و پیشنهادهای متعددی درباره ایجاد یک نیروی هوایی جدید با شرکت رژیم ضیاءالحق و وابسته به امریکایی آمریکا مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است.

در مورد همکاریهای نظامی و سیاسی نزدیک میان عربستان سعودی و پاکستان باید خاطر نشان کرد که این همکاری از سال ۱۳۴۶، که یک قرارداد نظامی دو جانبه میان دو کشور بسته شد، بنحوی چشمگیر گسترش یافته. این قرارداد نظامی در سال جاری تعدی گردید.

پس از پیروزی انقلاب دمکراتیک در افغانستان، کشورهای پاکستان به کانون توطئه و تمرکز عناصر و گروه‌های افغانی انقلابی تبدیل شد و اردوگاه‌های فراوانی افغانی، پارس‌رستی ماموران سپاه و مستشاران

نظامی امریکایی و چینی و پاکستانی در خاک پاکستان دایر گردید. رژیم عربستان سعودی نیز، با توصیه دولت امریکا، هزینه این اردوگاهها را بعهده گرفت. ضیاءالحق، دیکتاتور پاکستان، در سفر خود به عربستان سعودی (۸ مرداد ماه ۵۹) از دولت عربستان سعودی تقاضا کرد که هزینه‌های تسلیحات و تجهیزات نظامی امریکا را که به پاکستان ارسال شده است، پرداخت کند. در مقابل این کمک، رژیم پاکستان لشکر از نیروهای مسلح پاکستان را به منظور تقویت نیروهای امنیتی عربستان سعودی به آن کشور اعزام کرد. چندین پیش نیز ۴۰۰ نفر افسر مهندسی و تکنیسین ارتش پاکستان جهت گسترش و بازسازی تأسیسات نظامی به عربستان سعودی اعزام شدند و عربستان سعودی، در مقابل، یک میلیارد دلار به پاکستان پرداخت کرد.

چندماه قبل آلفانسی، وزیر امور خارجه پاکستان، خدمتگزار رژیم ضیاءالحق را، بعنوان زاندر منطقه، به کشورهای عربی صادر کند. نفت اعلام کرد که: «اگر کشورهای منطقه خلیج فارس ۵ میلیارد دلار اعتبار به پاکستان بدهند، پاکستان حاضر است پاسداری از منافع نفت این کشورها را بعهده بگیرد».

از سوی دیگر، چین نیز روز بروز به نفوذ سیاسی خود در پاکستان می افزاید و رژیم ضیاءالحق را، به عنوان مناسبترین متفق خود در توطئه‌ها و تحریکات نظامی علیه کشور مستقل هند و جمهوری دمکراتیک افغانستان و جمهوری اسلامی ایران، از لحاظ تسلیحات و تجهیزات نظامی تقویت می‌کند. رهبری چین تلاش دارد که، همراه با امریکا، رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق را به پایگاه نظامی و سریل تجاوز در این منطقه تبدیل کند.

دریاساز لوداوشنگ، کفیل فرماندهی نیروی دریایی چین، که چندین پیش در زاس یک هیئت نظامی

به پاکستان سفر کرده بود، اظهار داشت: «تاوگان دریای پاکستان باید تفتن مهمی را در اقیانوس هند ایفا کند».

ری افزود:

«عملیات مشترک تاوگان چین و پاکستان در این منطقه امکان پذیر است».

با توجه به همکاریها و فعالیت‌های سیاسی و نظامی دامنه‌داری که طی یکسال اخیر میان کشورهای مصر، عربستان سعودی، عراق، عمان، اردن، پاکستان، سومالی و کنیا انجام میگیرد و با توجه به اینکه همه کشورهای یادشده مستقیم و غیر مستقیم مورد حمایت آمریکا هستند و ایالات متحده آمریکا با اکثر این کشورها قراردادهای نظامی و تسلیحاتی دارد، به‌آسانی میتوان دریافت که امریکاییان امریکا، برای جریان ضربات سنگینی که بر مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی آن در توجه پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی ایران و از دست دادن بزرگترین پایگاه نظامی در سینه‌ها، وارد آمده، تلاش دارد که هم رژیم ضیاءالحق و دستنشانده در منطقه را در یک پیمان نظامی - سیاسی متحد سازد. تردیدی نیست که چنین و عمده‌ترین آماج چنین بیانی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان، کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین و دیگر کشورهای مستقل ملی در منطقه خواهد بود.

بر زمینه این نقشه‌های تجاوزگرانه امریکاییان امریکایی و رژیم ضیاءالحق و وابسته به امریکاییان امریکایی که پیشنهادهای دولت اتحاد شوروی، که از جانب لوتیدر زف دیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و سدهیشت رژیم شورایی اتحاد شوروی-هنگام دیدار از هند اعلام گردیده، حلقه و پاسخی متافع برای حفظ صلح و امنیت ملی در منطقه و پاسخی متافع بیانی کشورهای مستقل ملی و خلقهای منطقه است.

آیت الله دکتر بهشتی:

همواره با توطئه دشمن روبرو خواهیم بود

هرگونه عمل جدایی افکن میان روحانیت متعهد و مسئول و شما ملت قهرمان را محکوم می کنیم

آیت الله دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور در مصاحبه مطبوعاتی هفتگی خود گفت: بی شک دشمن دست از توطئه چینی برنمیدارد... دکتر بهشتی که در حضور خبرنگاران خارجی و داخلی سخن می گفت ضمن اشاره به اینکه توطئه های دشمنان انقلاب برای درهم شکنی انقلاب کماکون...

که طی آن آمده بود حمله به روحانیت، روحانیت حمله به تمام روحانیت نیست، روحانیت می داند اینها را یاد گرفته است که از حمله به این عده از روحانیون، منظور اینست که روحانیت در مجموع اینها هم نداشته باشد، پاسخ اینها هم روحانیت تاکنون داد و هم نداده و پاسخ من دیگر لزومی ندارد. آیت الله دکتر بهشتی درباره پیشنهادی که از طرف رهبر اتحاد شوروی پیرامون صلح و امنیت منطقه خلیج فارس و...

باید اتحاد بین انقلاب ایران و جبهه پایداری عمیق تر و مستحکم تر گردد

در مطبوعات کشور

آزادی جاسوسهای آمریکایی که در اولین روزهای انقلاب توسط وزیر امور خارجه وقت دکتر یزدی صورت می گیرد و تضمین می شود که در مورد ادامه روابط و وابستگی به آمریکا داده می شود و ارتباط دولتمردانی چون امیرانتظام، کمیست حساس سنجگونی دولت را پدید آورده است. با امریالیسم و بیگار گماردن لیبالیسم وابسته ای چون نژیبه و مقدم مراغه ای و... طبیعتاً نمی توانست سیاست خارجی بهتر از این را بهیچ راهی داشته باشد. دولتمردان لیبالیسم کوشیدند با حفظ روابط قبلی با امریالیسم و دول مرتجع، انقلاب را بورژوازی انحصار طلب بکشانند. پیش ها و خصلت های لیبالی مرتجع شد تا به مذاکره یا شیطان بزرگ بینینند و در عوض یا کشورهای مترقی ارتباط نداشته باشند.

وابستگی، البته در شکل پیچیده تری از لیبالیسم و رشکته قبلی مطرح می گردد. در مجموع لیبالیسم تمام کوشش های خود را در دوران صدی وزارت خارجه بکار برده تا سیاست خارجی ایران راه اتخاذ و نزدیکی با نیروهای انقلابی و مترقی جهان و منطقه را نیاید، که نتیجه جبری آن کشیده شدن پدیمان توطئه های امریالیسم و ارتجاع اینک که بخشی از لیبالیسم پنهان حامیان خط پرژونیکس کنار زده شده اند، بایستی برای تقویت موضع انقلاب بر جلب حمایت و همکاری و ایجاد پیمانهای مشترک با کشورهای مترقی و انقلابی و مسلمان در منطقه و جهان برداریم. نیروهای مترقی منطقه تنها با ایجاد یک جبهه متحد قادر خواهند بود در مقابل توطئه های گوناگون امریالیسم و سوسیالیسم و مرتجعین منطقه پایداری بیاورند. اتحاد انقلاب ایران با کشورهای عضو جبهه پایداری می تواند در این میان نقش مهمی را هم در ایجاد سد مقاوم در برابر امریالیسم و هم در دگرگونی اساسی در جایگزینی ساختن آنکیزه ایدئولوژیک بیجای آنکیزه قویبت عربی ایفا کند. این امر مسئله و رویداد بزرگی می تواند باشد که علی النصوص با طرد چهره های مرتجع منطقه، راهگشای گسترش انقلاب بوده و زواری از یسوع امریالیسم و سوسیالیسم در منطقه را نودید می دهد. اولین گامهای روشن در سیاست خارجی، که با سفر هشت نمایندگان ایران به کشورهای مترقی منطقه برداشته شده باید همچنان ادامه یابد و انتقال تجربیات و امتحان مواضع مشترک و پیمانهای استراتژیک باید به گرمی مورد استقبال قرار گیرد و اتحاد بین انقلاب ایران و جبهه پایداری عمیق تر و مستحکم تر گردد. فراموش نمی کنیم رئیس دولت موقت و وزیر خارجه اش تنها وقتی به الجزایر رفتند که مذاکره با پرژونیکس را بدنبال داشته باشند. اکنون نیز بایستی منتظر بود که تهاجمات لیبالیسم در شکل های گوناگون شروع شود. آنرا نزدیک و اتحاد با کشورهای مترقی منطقه را تحمل نخواهند کرد و خواهند کوشید تا علم کردن گرایش به شرق، از تدارک این گام مثبت جلوگیری کنند. اینگونه تبلیغات منفی لیبالیسم، که جهت حاکمیت خط پرژونیکس بیگار مرده خواهند کوشید با لوث کردن قصبه و یا مارک و انگیزدن، از گسترش و عمیق تر شدن طبیعتی این گام در جهات اقتصادی و نظامی و... جلوگیری کنند. واپس گرایان و مترقیون نیز از تصیق مناسبات با کشورهای مترقی و انقلابی یا ازین مارک و انگیزدن و... با نمانند همدا خواهند شد. تجربه تاریخی نشان می دهد که اتحاد کشورها می تواند در برابر صدمات و تهاجمات گوناگونی که از امریالیسم و ایادی آن وارد می شود، بخوبی مقاومت نماید. ولی اگر کشوری بخواهد به تنهایی این مسیر را بپیماید، یا مشکلات و موانع گوناگونی روبرو خواهد شد. پیرامون داخلی، کمبود ارزاق و مایحتاج در یک برهه از حیات انقلابی طبیعی و پذیرفتنی است و بغیر از آنرا از داخل تبه کرد، کمک و یاری متحدین طبیعی باید در چنین زمانهائی نمود پیدا کرد. در چنین روزهای دیگر مسئله سر مال من و تو نیست و همانگونه که سفیر لیبی در ایران در حضور امام خمینی اظهار کرده: آنچه که شما دارید ما تعلق دارد و آنچه که ما داریم تعلق به شماست. باید مسدود خارجی خود را باز یابد و با تحکیم جبهه مقاومت و پایداری در برابر امریالیسم و سوسیالیسم در تدارک و گسترش انقلاب گامهای بلندتری برداشته شود. اینک در حلقه قرار داریم که یک از دو راه موجود را باید انتخاب کنیم: راه حل اول آنکه لیبالیسم پیشنهاد می کنند و وابستگی و ذلت را با اتصال به امریالیسم در پناه شماره های رفاه و امنیت و آزادی و... دنبال می کنند و اکنون با جو سازی و استفاده از عملکردهای رفیق نیز می کوشند آبروی از دست رفته را باز یابند و این خط را حاکم کنند و تهاجمات اخیر نیز دنباله این سیر می باشد.

راه حل دوم که مبتنی بر خواستهای انقلاب و مکتب می باشد، این است که با اتخاذ شی انقلابی در جبهه کشورهای مترقی و ضد امریالیسم قرار بگیریم و با اسامات دادن به درون و تکیه قرار دادن امریالیسم های انقلابی مکتبی، که خود بخود حمایت کشورهای مترقی را بدست خواهد داشت، از گردایی که امریالیسم می کوشد انقلاب را در آن اسیر سازد، رهایی پیدا کنیم.

(امت - ۱۷ آذر ۵۹)

پرونده سازی... برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

انقلابی هرچه بیشتر ضرورت می یابد، پایه شکستی و تاسف می باشد. تسمیق انقلاب در راستای ضد امریالیسم و خلقی آن نیست و تنها خشنودی ضد انقلابیون را می تواند برانگیزد. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۶ آذر ۱۳۵۹



تاما یونستر فنانورد کویانی، که همراه یوری رومانکو فنانورد شوروی، با سایوز ۳۸ به فضا رفت و در ۱۵ مهر ۵۹ به زمین بازگشت. از فنانوردان بگرمی استقبال کردند. اخضه خانواده و دوستان، از فنانوردان بگرمی استقبال کردند.

رویدادهای جهان

دبیر کل حزب کمونیست یونان: اکثریت قاطع مردم یونان با کشانده شدن به ماجراجوئی های آمریکا و ناتو مخالفند

دبیر کل حزب کمونیست یونان گفت: «رود دوباره یونان به جناح نظامی ناتو و امضاء قراردادهای جدید نظامی با آمریکا در رابطه با اجرای طرحهای تجاوز گزانه امپراتریک امریکا صورت می گیرد که هدف آن در درجه اول خاورمیانه و خلیج فارس است. فلورا کس تاکید کرد اکثریت قاطع مردم یونان با کشانده شدن کشور به ماجراجوئی های ناتو و آمریکا مخالفند»

فلورا کس دبیر کل حزب کمونیست یونان در مصاحبه با روزنامه نویسی دویچلند ارگان مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان اعلامی هائی را که هدف آن وارد ساختن یونان به سیاست خطرناک بلوک ناتو است، محکوم کرد. وی برپژه یادآور شد تصمیم در مورد بازگشت یونان به جناح نظامی ناتو، در مرحله کمونی که اوضاع جهان متعین شده است، با منافع خلق یونان مغایرت دارد.

بازدید لئونید بر ژنف از هندوستان برای جریان تشنج زدائی در سراسر جهان اهمیت دائمی و فناناپذیر خواهد داشت

بیرک کارمل رهبر افغانستان طی یک مصاحبه با خبرگزاری یانتر و رادیو تلویزیون ملی افغانستان سفر لئونید بر ژنف رهبر شوروی را به هند اقدامی در جهت تحکیم میان صلح و امنیت بین المللی خواند. بیرک کارمل دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق و رئیس شورای انقلاب و نخست وزیر جمهوری دمکراتیک افغانستان در مصاحبه مطبوعاتی خود ضمن اشاره به سفر لئونید بر ژنف به هند گفت: «این نوع اقدامات دلیل دیگری بر سیاست دائمی و مستمر حزب کمونیست و دولت شوروی در مورد تحکیم میان صلح و امنیت بین المللی است.»

بیرک کارمل در مورد اهمیت بازدید لئونید بر ژنف از هند گفت: «مردم افغانستان با دقت زیادی جریان بازدید لئونید بر ژنف و مذاکرات وی را در دلی دنبال کردند. ما رفیق لئونید بر ژنف را بعنوان رهبر مردم کبیر شوروی، دوست مردم ما و شخصیت برجسته ای که فعالیت وی دارای اهمیت جهانی است، می شناسیم. رهبری که کوشش های خستگی ناپذیر او در مورد تحکیم میان صلح و تشنج زدائی و خلع سلاح مورد علاقه و احترام قشرهای وسیع مردم در قاره های گوناگون واقع شده است.»

بیرک کارمل اعلامیه مشترک هند و شوروی را در جهت تحکیم میان صلح و تثبیت اوضاع آسیا و سراسر جهان براساس اصول همنویتی مسالمت آمیز خواند و گفت: «میرا جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان، مانند شوروی و هندوستان به همه جبهه بی تفاوت نیست که اوضاع و حوادث در جهان منجر به آسیا درجه سستی سیر می کند. ما در این مورد با رهبران اتحاد شوروی و هندوستان کاملاً همراهی و هم عقیده هستیم که در این منطقه ممکن است و باید اوضاع عادی و آرام تانین شود. به این جهت افغانستان بیونان یکی از کشورهای واقع در جنوب باختری آسیا، علی النصوص، دعوت رهبران اتحاد شوروی و هندوستان را به حل سیاسی و مسالمت آمیز مسائل منطقه بر پایه اصل احترام کامل به استقلال و حق حاکمیت، تمامیت ارضی و مقررات ویزم عدم تهمید کشورهای واقع در این منطقه کاملاً تأیید و تصدیق می کند. ما کاملاً معتقدیم که حل واقفاسازنده و عادلانه مسائل جنوب باختری آسیا منجمله مسائل مربوط به اوضاعی که در افغانستان در نتیجه ضایع محافل امریالیستی و سلطه جویان پدید آمد فقط از راه سیاسی و از طریق انجام مذاکرات مستقیم بدون مداخله بیگانگان، امکان پذیر است.»

بیرک کارمل گفت: من می خواهم از سوی خود بگویم که کشور ما مانند بسیاری از دیگر کشورهای غیر متعهد که در تانین صلح و آرامش بنیوان شرط تحقق هدفهای بهبود زندگی همه ملتها زینفنده آماده است. سوسیالیسم در این منطقه را کند، پیشنهاد دولت شوروی دمکراتیک افغانستان مورخ چهارده ماه و هندوستان میباید حقیقت را متذکر شود و بخاطر کاهش تشنج در منطقه و برای فراهم ساختن موجبات برقراری صلح پایدار، سیاستی واقع بینانه اتخاذ گردد. وی درباره مذاکرات با رهبران مسئول جمهوری اسلامی ایران و همچنین کشورهای دیگر آن، پاکستان، خاور تانین ساخت: «ما از سوی خودمان حاضریم در هر موقع مناسب و در هر محلی که برای آنها و برای ما قابل قبول باشد با آنها دیدار کنیم.»

بیرک کارمل در پایان سخنان خود گفت: «ما که از پشتیبانی و کمک عظیم کشور دوست اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیستی و ممالک غیر متعهد و همه نیروهای ترقی خواه جهان برخورداریم حتما در امر تانین هدفهای والا و پر ارج انقلاب خود موفقیت بدست خواهیم آورد و سهم خود را در امر تانین صلح و پیشرفت اجتماعی در جهان ادا خواهیم کرد.»

نام مردم نام: ارگان مرکزی حزب توده ایران. دارتله امتیاز و مدیر مسئول: متوجه برادر خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست. NAMEH MARDOM No. 398 18 December 1980. Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts., Sweden 1.50 Skr. خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می توانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند. صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۶ پستی تهران